

ارتش متجاوز

رژیم صدام در هر حال باید به مرزهای عراق رانده شود

میتود که خواستار پایان دادن به جنگ عراق و ایران بر بنیاد عدالت و بازگشت متجاوز به درون مرزهای خویش باشد. رفتار نظامی از جانب نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اعزاز ارتش و سپاه پاسداران که در جنگ عادلانه بر ضد متجاوز و حقیقتاً در دم قدرت بیشتری کسب میکنند. تا زمانی که آن فشار سیاسی به نتیجه عملی نرسیده، یعنی رژیم صدام «داوطلبانه» به تخلیه خاک ایران تن در نداده، این فشار نظامی باید همواره قویتر بر متجاوز وارد آید. هر قدر فشار نظامی قویتر باشد و رژیم متجاوز کار صدام بیشتر به فرجام شکست نظامی خود یقین حاصل کند، بهمان نسبت زودتر به بازگشت به مرزهای عراق کردن خواهند نهاد تا کردن تنهاده، باید پایتخت نظامی بر سر او باشد و قدرت هر چه بیشتر کویید. تجاوز کاران معمولاً بدین وسیله بر سر «فعل» می آیند. پس در هر حال ارتش متجاوز

نیز متوجه شده است که جز شکست نسبی نخواهد داشت. این واقعیت است. تازه اگر این حقیقت را نادیده بگیریم و دعوی صدام را درباره قرارداد ۱۹۷۵ نه بماند، بلکه سبب مناقشه و جنگ بگذاریم، در این صورت نیز صدام مثلاً با وارونه مطرح کرده و بدین وسیله اصل مذاکره را رد کرده است. او میگوید اول قرارداد را قبول و اجرا کنید، تا خاک ایران را تخلیه کنم و نیکی و خاکی ایران را تخلیه میکنم، تا برای قبول و اجرای قرارداد به مذاکره بپردازم. این یعنی تحمیل اراده در مسئلهای مورد اختلاف، آنهم بیژور اسلحه، که بیج عنوان قابل پذیرش نیست و نمیتواند باشد.

ارتش متجاوز صدام در هر حال باید به مرزهای عراق رانده شود. راندن آن به مرزهای عراق یا فشار دو وسیله سیاسی و نظامی ممکن است: فشار سیاسی عمدتاً از جانب آن نیروهای بین المللی بر رژیم صدام وارد

آقای بنی صدر، رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه اخیر خود مجدداً انگشت تا کید بر روی این مطلب نهاده که هیچگونه مذاکره و مصالحه‌ای با عراق، قبل از راندن ارتش متجاوز رژیم صدام به مرزهای عراق، یعنی در شرایط فشار و تجاوز نظامی، پذیرفتنی نیست. این موضعگیری درست است که از جانب جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شده است. معلوم است که دارو دست صدام، نمیخاطر اختلاف نظر در اجرای قرارداد ۱۹۷۵، بلکه فقط به بهانه آن و بقصد شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به تحریک و تشویق آمریکا، بر کشور ما تهاجم نظامی آغاز کرد و اگر امروز قبول اجرای قرارداد مذکور را شرط بازگشت به مرزهای عراق و بیرون بردن نیروهای خود از ایران قلمداد میکند، فقط باین دلیل است که در رسیدن به هدف جنایتکارانه خود از لحاظ سیاسی یکسای شکست خورده و از لحاظ نظامی

هدف امپریالیسم آمریکا

از تشدید حضور نظامی در آبهای ساحلی ایران، بر اندازی جمهوری اسلامی ایران است

مانور دریایی - هوایی دول امپریالیستی در آبهای ساحلی کشور ما با نام رمزی «هیگن کومپاز» در شرایطی صورت گرفت که، به تصدیق محافل مطلع نظامی، صدام خائن به هدفی راهزانه جنگ تجاوزی علیه ایران قائل شده است. از همین رو بدستی مانور نیروهای دریایی - هوایی آمریکا و انگلستان به عنوان نقشه حمایت آمریکا از تجاوز نظامی رژیم صدام به ایران ارزیابی گردید. همچنین این مانور بدستی یافته تجاوزستقیم آمریکا به خاک ایران ربط داده میشود، که خبر آن دو ماه قبل بوسیله «چاندروسون» در صفحات روزنامه آمریکایی «استر نیسکو کرونیکل» افشا گردید. حتی محافل آمریکایی انجام این مانور نظامی را بازی خطرناک که در تریزینسکی به منظور پیروزی در انتخابات نام دادند اکنون که این مانور انجام شده و دولت آمریکاییه هیچکدام از هدفهای شخصی خود یعنی تامین برتری کامل عراق در جنگ و پیروزی در انتخابات نرسیده، مر- توان از شکست کامل نقشه مانور «هیگن کومپاز» سخن گفت. لیکن تشدید حضور نظامی ایالات متحده و متحدین قریبی آن در سواحل جنوبی کشور ما، از جمله گرفته تا بندر عباس و حتی داخل خلیج فارس و اقیانوس

ایران ریاکارانه ادعای جانبداری از کشور ما را عنوان کرده و به ظاهر برای حفظ تمامیت ارضی ایران اشک تصاح می ریخته، در جریان دو هفته اخیر جنگ به عملیات زیرین، که دلائل روشنی بر ستاب بخشیدن حضور نظامی خود در منطقه است، مبادرت ورزیده اند.

۳۰ مرمایه سخنگوی وزارت دفاع آمریکا آغاز مانورهای مشترک نیروهای دریایی و هوایی آمریکا و انگلیس را در بحر عمان در نزدیکی سواحل ایران اعلام داشت. در این مانور دو هفته‌ای که تا ۱۳ آبان ۵۹، یعنی روز انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا ادامه داشت، ۲۵ نوار جنگی، منجمله دو نوار هواپیمای آمریکایی «میدوی» و «آیزنهاور»، به همراه ۸۰ فروند هواپیمای جنگی و ۱۸ هزار نفر نیروی نظامی دریایی و هوایی شرکت داشتند.

بیجاست، یادآور شویم که این بزرگترین و بر سابقه ترین مانور نظامی دریایی - هوایی بوده که تاکنون در این منطقه صورت گرفته است. در منطقه‌ای که این مانور برگزار شد، دول امر - یالیستی، سرکردگی امریکه، پیش از ۶۰ نوار جنگی تمرکز دادند. گذشته از نوارهای جنگی آمریکا و انگلیس، نوارگان نظامی دریایی فرانسه و استرالیا نیز به این منطقه اعزام شدند.

از آغاز جنگ راهزانه رژیم صدام تکریتی علیه کشور ما، امپریالیسم آمریکا به حضور نظامی خود در آبهای ساحلی جنوب ایران افزوده است. به این حضور، که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی خلقی ایران آغاز گردید، در دو هفته اخیر، یعنی پنجمین و ششمین هفته‌ای که از تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران می گذرد، شدت خاصی داده شده است.

ناگفته پیداست که هدف اصلی حضور نظامی آمریکا در منطقه، بخصوص بحرمان و خلیج فارس، یعنی در آبهای مرزی ایران، و تشدید این حضور، تشویق و تشجیع رژیم یعنی عراق به ادامه جنگ علیه کشور ما، بهره برداری از این تجاوز و آمادگی برای توطئه‌های خطرناک بعدی است، که باید درباره آن سخن گفت. اما قبل از آنکه به تشریح مختصر هدفهای آمریکا از حضور نظامی در منطقه بپردازیم، شتاب دولت آمریکا در تقویت نیروهای نظامی در آبهای سواحل جنوبی ایران را در دو هفته اخیر، یعنی رژیم صدام علیه ایران از نظر بگذرانیم.

مقامات مسئول دولت آمریکا، که بویژه در روزهای قبل از انتخابات ریاست جمهوری، با روشن شدن افق نهای جنگ بسود

نه تسلیم نه سازش، نبرد با امریکا

تحلیلی از شرایط چهار گانه
تحویل جاسوسان امریکایی

۴ صفحه

نامۀ مردم

از گان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۷،
پنجمین ۲۲ آبان ۱۳۵۹، مطابق با
۴ محرم ۱۴۰۱، ۱۵ ریال

ریگان هم مانند کار تر هیچ غلطی نمی تواند بکند

در کارزار تبلیغاتی بین کارتر و ریگان، مسابقه بر سر این بود که کدامیک بر خاسته‌تر، انعطاف‌ناپذیرتر، متجاوزتر، خشن‌تر، زورگوتر و جنگ طلب‌تر است. ریگان گوی سبقت را برده، باین دلیل که خصوصیات و سوابق او «بهتر» از رقیب بود. بازیکران سیاسی دیگری نیز که قرارداد با او و کسبه اجرائی اراده انصارات را برعهده گیرند، افرادی هستند نظیر هنری جکسون معروف - طرفدار سر سخت اعمال سیاست از موضوع زور و سبوتیست دو آتشه، دشمن بیچاره گونه شوروی و صلح، خصم دیوانه استقلال خلقها، و یا ژنرال الکساندر هیگ - فرمانده سابق فاتو، که شصت به صفات جگونی است.

بویژه انصارات معروف به مجتمع منتهی - نظامی امریکا خواهد بود. بیارت دیگر، گروه ریگان سیاست را که گروه کارتر (آز) فدای انتخابات پیشین ریاست جمهوری و علی‌رغم بر خلاف تمام مواهبات انتخاباتی در جهت تشنه‌ترائی، تشدید مسابقه تبلیغاتی، اجرای سیاست از موضع زور، در پیش گرفت و هواز ما شدت روز افزونی دنبال کرد، بوسیله ریگان همچنان و با شتاب دنبال خواهد شد. هم جریان کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا و هم خصوصیات ریگان و دیگر بازیکران سیاسی، که قرارداد با او کز کند، نشان میدهد که امپریالیسم امریکا سیاست جهان - خوارانه و تشنه طلبانه خود را با خستون بیشتری اعمال خواهد کرد.

بدنبال امر که انتخابات ریاست جمهوری در امریکه، که در آن رونالد ریگان، بازیگر سابق هالیوود، بازی تغییر صاحب کت سفید را بکلم طبل و شیور دستگاه تبلیغاتی مجتمع منتهی - نظامی برده، بزودی، یعنی در ۲۰ ژانویه (۳۰ دی) گروه دیگری از مرمه‌های سیاسی امپریالیسم جهانخواز امریکه، ناموریت اجرای سیاست تشنه‌طلبان بزرگ را رسماً برعهده خواهد گرفت.

آیا با این تغییر گروه نامورین اجرای سیاست، سیاست امپریالیسم امریکا تغییر خواهد کرد؟ در اساس نه. ولی در شکل و شیوه عمل، احياناً گروه ریگان بیانگر خستون عریان‌تری از سیاست انصارات امپریالیستی امریکه.

به امام خمینی صمیمانه تسلیت میگوئیم

در گذشت همشیره مکرمه امام خمینی را به حضور رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران صمیمانه تسلیت میگوئیم.

پس احتمال قوی اینست که با روی کار آوردن ریگان، امپریالیسم امریکا سیاست زو به خستون بیشتری را دنبال کند. ولی آیا سیاست خشن‌تر، به معنای توانائی بیشتر است؟ نه! **بقیه در صفحه ۲**

نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست...

رفیق شهید اصغر بادفره: جای توده‌های ما در صف اول انقلاب است

خاموش شد و برادر بزرگتر سرپرستی او را برعهده گرفت. رفیق شهید، در آبادان دیلم طبعی گرفت، و از آنجا که به ورزش کشتی و مظهر قهرمان آن تختی عشق می ورزید، در دوران تحصیل دیوار قهرمان آموزشگاههای آبادان و یکبار قهرمان آموزشگاههای استان خوزستان شد.

وقتی شعله‌های انقلاب بزرگ ایران در گرفت، رفیق اصغر، چون همه فرزندان رفیع و کار به صف اول سنگرهای انقلاب رفت و در آنجا بود که با رزمندگانی آشنا شد که در آتش و خون مرغیدند و هستی خویش را بر محابا نثار روح جاودانی انقلاب می کردند. جان رفیق اصغر و آن جانهای شقیه پیوند خورده و



این قافله را سر باز ایستادن نیست... در سنگرهای رزم خونین با امپریالیسم امریکه، توده‌های ما همه هستی خویش را نثار انقلاب می کنند و به قافله بی پایان شهیدای راه استقلال و آزادی ایران می پیوندند. نسل نویسن توده‌ای اکنون در سنگرها حیرت خونین حزب طبقه کارگر ایران را تداوم می بخشد و در راه پیروزی خلق از قطرات خون خویش شقایق می نشاند.

یکی از آخرین دهروان این قافله خون، این قافله که شقایق و آزادی به قله تاریخ می برد، رفیق شهید علی اصغر بادفره است. رفیق اصغر در آرد ماه سال ۱۳۳۸ در احمدآباد، یکی از محله‌های فقیرترین آبادان به دنیا آمد. در سیزدهمین قفزه

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بقیه از صفحه ۱

هند، تنها به انجام مانور خطرناک یادشده محدود نمی‌گردد، که شکست آن ما را اسوده خیال سازد. همزمان با این مانور، در منطقه اخیر اقدامات تازه به تازمای در گسیل داشتن نیروهای نظامی از جانب آمریکا و دولتهای غربی به این منطقه صورت گرفته و می‌گیرد.

یک روز پس از آغاز مانور دریائی - هوائی «هیگن کومبار» مقامات نظامی آمریکا اطلاع دادند که بزودی ۱۸۰۰ نفر از متصداران دریائی خود را به بحر عمان اعزام خواهند داشت. این واحد چهارمین گروه از کماندوهای آمریکائی است، که در عرض سال جاری حیر اعزام آن به آبهای ساحلی ایران اعلام می‌گردد.

همزمان با آغاز مانور دریائی-هوائی در بحر عمان، پنتاگون خبر مانور دیگری را منتشر کرد. این مانور از ۲۲ آبان ۵۹ تا ۳ هفته در مصر صورت خواهد گرفت و در آن «نیروی واکنش سریع آمریکا» و سیما شرکت خواهد داشت. ۱۴۰۰ نفر نیروی ضربتی و ۱۲ هواپیمای حمایت کننده - ۲ بهرام نیروهای نظامی سادات خائن، در این مانور شرکت می‌کنند. در اهمیت این مانور، که چند روز دیگر آغاز می‌گردد، همین‌س که از سال ۱۹۵۸ بعد که نیروهای نظامی آمریکا بخاطر انقلاب عراق به لبنان انتقال داده شد، این اولین باری است که نقل و انتقال نیروهای نظامی آمریکا به حوضه نزدیک در چنین مقیاس عظیمی صورت می‌گیرد. هدف مانور تمرین جابجائی «نیروی واکنش سریع» از آمریکا به خارج، به تعداد ۱۰۰ هزار نفر یا تجهیزات لازم است. از یک تا هشتاد و پنج هزار نفر آمریکا، در «فورت ایراک»، واقع در کالیفرنیا شمالی انجم گردیدند. تمرینات نظامی در این مانور «گالات فایت ۸۱» نامگذاری شده و هدف آن ارزیابی عملیات فرماندهی، بررسی کارهای تخلیه، بستن گام اعزام نیروها و آزمایش امکانات ایمنی هواپیماها قرار داده شده بود.

موازی با آغاز مانور دریائی-هوائی آمریکا در بحر عمان، فرماندهان ناوگان آمریکا، انگلیس، فرانسه و استرالیا در حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند، به ملاقات یکدیگر نشستند، تا اقدامات نظامی را هماهنگ سازند. این ملاقات مرحله دیگری از توطئه تشکیل نیروی مشترکی از متحدان غربی آمریکا بمنظور درگیر ساختن همه دول آمریالیستی در منازعه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران بشمار میرود.

ششم آبانماه ۵۹ وزارت دفاع آمریکا اخبار دیگری از اعزام نیروهای جنگی به شمال غربی اقیانوس هند، بحر عمان و خلیج فارس انتشار داد. پنتاگون اعلام داشت که سه کشتی دیگر از ندرگان ششم خود را در مدیترانه راهی آبهای ساحلی ایران کرده است. جز عبور این سه کشتی مرکب از ناوشکن «پترسون» و نازچه «جسی براون» بهرام ناو هلیکوپتر ۴۰ هزار تنی «سیبان» یا ۳۰ هلیکوپتر، ۵۰ قیوقنفر و ۱۸۰۰ پرسنل دریائی از کماندو سوئز همانروز تقید گردیدند. ۱۰ آبان ۵۹ آمریکا سومین ناو هواپیمابر خود را به اقیانوس هند اعزام داشت. سخنگوی وزارت

هدف امپریالیسم امریکا...

دارودسته جنایتکار صدام علیه کشور ماست. توطئه‌های طیس و نوزده، در توطئه مستقیم امریکا علیه انقلاب ایران، یا شکست کامل روبرو گردید. توطئه تجاوز نظامی رژیم صدام به منظور سرکوب انقلاب ایران با استفاده از ضربات دفاعی که کرده و برق آسا، با ناگامی مواجه شده و تاسف نیروها در جنگ بسود ایران تغییر می‌یابد. صدام خود این را احساس می‌کند و به همین جهت، پیشنهاد آتش‌بس میدهد. در این شرایط، که تجاوز نظامی رژیم صدام با نیرومند شدن ایران در جنگ و کوشش غیرخواهانه دول دوست، می‌رود تا با شکست کامل تجاوز نتیجه بخش گردد، امریکا به حضور نظامی خود در منطقه می‌افزاید و قوای نظامی پیش و بیشتری را به سواحل جنوبی ایران در آبهای بحرمان و خلیج فارس اعزام می‌دارد. مگر آشکار نیست که چنین اقدامی مستقیماً بسود تجاوزین صدامی است و بقصد ادامه جنگ و تحریک و تشویق آنان به جنگ صورت می‌گیرد؛ این واقعتاً کاملاً آشکار است و این هدف اولیه و نزدیک امپریالیسم امریکا از شتاب در تقویت نیروهای نظامی خود در منطقه است.

اما امپریالیسم متجاوز و غارتگر آمریکا از تشدید تمرکز نیروهای نظامی خود به بهانه جنگ عراق و ایران در منطقه اقیانوس هند، بحر عمان و خلیج فارس، هدفی دورتر از آن دارد، که برای تجاوز سدام حسین به ایران در نظر گرفته است. آمریکا با تشدید حضور نظامی در آبهای بحرمان و خلیج فارس نه فقط خواب محو جمهوری اسلامی ایران، بلکه استقرار کامل سلطه خود و انحصارات غارتگر نفتی را بر کل منطقه می‌بیند. بدین خاطر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا، علیرغم شکست‌های بی دریغی، خود را برای انجام توطئه‌های بعدی جهت سرکوب انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما آماده می‌سازد. این توطئه همان دخالت مستقیم نظامی خود امریکاست، که زمینه آن با تشدید تمرکز نیروهای نظامی فراهم شده و می‌شود و احتمال دست زدن به آن، با نتایجی که از انتخابات ریاست جمهوری در امریکا به دست آمده، نه فقط کاهش نمی‌یابد، بلکه حتی می‌تواند تقویت گردد.

امپریالیسم غارتگر آمریکا و متحدان غربی آن درصدد حفظ مواضع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در حوزه نفت خیز خلیج فارس هستند. این حوزه نه فقط ۶۰ درصد ذخائر نفتی جهان سرمایه‌داری را در خود جا داده، بلکه بعنوان حلقه واسطه‌ای بین سوئز و جنوب شرقی آسیا، از ماهیت استراتژیک برخوردار است. از آغاز دهه ۱۹۷۰، مواضع امپریالیسم جهانی بر اثر منی کردن بی دربی صنایع نفت، طرد تسلط انحصارات نفتی و انضام کنترل از مواضع غارتگرانه و برافکندن رژیمهای دست نشانده در این منطقه، رو به ضعف گذاشت. پیروزی انقلاب ایران موجود تحول کیفی در تاسیب نیروها در این منطقه جهان بسود

حصول پیروزی در طرد کامل تسلط استعمار، امپریالیسم و کنترل بین‌المللی از این منطقه است. با چنین نتایجی، سلسله امریکا، و نه فقط امریکا، بلکه همه دول امپریالیستی نمی‌توانند با انقلاب ایران سر سازگاری داشته باشند. سرکوب انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران هدف عمده امپریالیسم جهانی در مرحله کنونی است و آمریکا و متحدان غربی آن با شرکت در توطئه تقویت حضور نظامی خود در منطقه، بویژه در آبهای سواحل جنوبی، نیل به چنین هدفی را تعقیب می‌کنند، که به نوبه خود باید به احیاء سلطه پیشین امپریالیسم جهانی به این منطقه بیانجامد.

چنانکه دیده می‌شود، امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی آن، با تقویت حضور نظامی خود در منطقه، خطر جدی، نه فقط برای انقلاب ایران، بلکه برای استقلال و امنیت همه خلقهای کشورهای این ناحیه بوجود آورده‌اند. این خطر استقلال و امنیت خلق مبارز عراق و دستاوردهای مبارزات ضد امپریالیستی آن را در گذشته نیز تهدید می‌کند. صدام خائن با تجاوز نظامی به ایران در همکاری با امپریالیسم آمریکا، عملاً استقلال و امنیت خلق عراق و همه نیروهای مترقی و مبارز عرب را در برابر تهاجم امپریالیسم غارتگر و صهیونیسم تجاوزکار در معرض خطر قرار داده است. این واقعتاً را کشورهای جبهه پایداری مانند الجزایر و لیبی و سوریه و جنبش آزادی بخش فلسطین بدرستی درک و لذا بحق از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جانبداری و جنگ راهزانه صدام علیه ایران را تکیه می‌کنند.

از توجه به هدفهای امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، علیه انقلاب ایران باید چنین نتیجه گرفت که، حفظ انقلاب و تثبیت پیروزیهای آن محتاج اتخاذ سیاستهای به مراتب قاطعتر و تدابیری گسترده‌تر از آنست که تاکنون به منظور قلع و قمع توطئه‌های گوناگون ضد انقلاب در داخل و امپریالیسم از خارج علیه انقلاب ایران گرفته شده است. باید دانست که برای تأمین پیروزی در نبردهای آتی که با امپریالیسم و ضدانقلاب وابسته به آن در پیش داریم، محتاج اتخاذ تصمیمات قاطع در جهت تحکیم همکاری و اتحاد انقلابی میان همه نیروهای راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی در داخل کشور و همکاریهای همه جانبه و دوستی با همه کشورهای ضد امپریالیستی، که کشور-های سوسیالیستی در پیشاپیش آنها قرار دارند، در مقیاس جهانی هستیم.

همانطور که حزب ما این شمار را تکرار کرده و می‌کند: خطر امریکا واقعاً جدی است. انقلاب ایران با تکیه بر نیروهای مردمی در درون و قوای ضد امپریالیستی در جهان می‌تواند به مقابله پیروزنده‌ای با این خطر برخیزد. بهوش باشیم که بموقع و قبل از آنکه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن به توطئه دیگری خود علیه انقلاب ما اقدام کنند، یا تدابیر قاطع انقلابی برای طرد و محو این توطئه‌ها آماده‌ای داشته باشیم.

ریگان هم مانند...

بقیه از صفحه ۱
اتفاق در مرحله کنونی که امپریالیسم دچار بحران است و احساس می‌کند که زمین زیر پایش میلرزد، خنوت بیشتر در سیاست بروز میدهد. بروز خنوت بیشتر نشانی از ضعف و نشانه ضعف است و نه قزونی قدرت. برخاسته‌ترین امپریالیسم امریکا ناشی از احساس ضعف است. امپریالیسم امروزه همانند بیرادمخوار زخم برداشته است. و بی زخمی برخاسته و خطرناک است. نیروی او از بی تردست کمتر است، ولی خطر تهاجم او بیشتر.

انقلاب رهائی بخش ما یا چنین بی زخمی درنده‌ای زوربوست و روبرو خواهد بود. برای رفع خطر آن، که نه گذرا و نه رو به تخفیف، بلکه درازمدت و رو به تشدید است، باید آماده-و آماده-تر شد. این آمادگی باید همه جانبه، در عرصه‌های مختلف، در سطح تمام قدرت نظامی، تمام قدرت رزمی خلق، در تقویت هر چه بیشتر صفوف خلق رزمنده، در تقویت انقلاب، در افزایش هر چه بیشتر تولید، ضمن صرفه‌جویی حداکثر مصرف، در تدارک و ذخیره تمام نیازمندیهای ضروری، از سوخت و پوشاک گرفته، تا دارو و وسایل نقلیه، انجام گیرد و همه اینها بر بنیاد تدابیر مشخص، نسبت به هر نیاز مشخص، طبق بردهای دقیق هر مسئله.

جنگی که امریکا بسوسیله دارودسته صدام بر ما تحمیل کرده، خود آزمایشکی است که در برونه آن تمام تدابیر مورد نیاز برای مقاومت و مقابله دراز مدت در برابر امپریالیسم آمریکا، میتواند در معرض آزمایش، تنقیح، اصلاح و تکمیل قرار گیرد. در عرصه سیاست خارجی، باید هر چه قاطعتر عمل کرد، هر چه بیشتر متحرک و مبتکر بود. جبهه جهانی ضد امپریالیستی عظیم است و بالوفه حامی و پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر امپریالیسم، بسرکردگی امریکا، باید این حمایت بالقوه را، که تاکنون بیشتر بصورت حمایت معنوی سیاسی بروز کرده، به حمایت بالفعلی بدل کرد، که با احترام برخاسته به استقلال و تمام کشور ما، بصورت کمک به رفع نیازمندیهای مادی ما برای مقابله درازمدت، به شیطان بزرگ و شرکاء بیروز کند.

باید همواره و بدون لحظه‌ای غفلت این واقعتاً را در نظر داشت که امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی و همیشگی ما، دائماً درصدد است که ایران را بازس گیرد. کمترین غفلت نسبت به این واقعتاً میتواند به فاجعه تاریخی برای خلق و کشور ما بدل شود. ما باید هر روز بیشتر از روز پیش برای مقابله و رفع خطر امپریالیسم غدار آمریکا آماده شویم و همه جانبه آماده شویم. در این صورت است که ریگان هم مانند گلرتر هیچ غلطی نمیتواند بکند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نه، این قافله را...

بقیه از صفحه ۱
سنگر به سنگری آنها جلورفت. سرانجام یک روز از آنها پرسید: شما کیستید که چنین در کوره انقلاب میسوزید و از جان خویش بر آن همه می‌تپید؟

همسنگران گفتند: ما توده‌های هستیم...
رفیق اصغر شکست زده در آنها خیره شد و گفت: اما، اما... به ما گفته بودند که حزب توده یک دکان سیاسی است... رفیق اصغر این کلمات را از کبابی که در باره رفیق شهید هوشنگ تیزایی خوانده بود، بخاطر داشت. اصغر، یا همسنگران تا پیروزی انقلاب رزمید، روزهای خوین بهمن که به شب رسید، اصغر یک توده‌ای تمام عیار بود. او، که همیشه می‌خندید، می‌گفت: من یک سرباز حزب توده ایرانم. و چنین بود. زندگی جوان و نیرومند او در راه گسترش آرمان حزب طبقه کارگر ایران صرف میشد. دیلم که گرفت، به سربازی رفت. او در لشکر زرهی اهواز خدمت می‌کرد. پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها، که مرخص می‌آمد، لحظه‌ای آرامش نداشت. می‌گفت: باید در این دو روز باندازه یک هفته برای حزب کار کنم.

رژیم جنایتکار صدام که به فرمان امریکا به خاک میسپند انقلاب ما تجاوز کرد، رفیق اصغر که در فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرمان حزب را دریافت کرده بود، لحظه‌ای درنگ نکرد و به میدان کارزار رفت. در آغاز به او وظیفه انبارداری را سپردند. رفیق اصغر بی‌تاب بود. لحظه‌ای آرام نداشت. می‌گفت:

جای توده‌ای‌ها در صف اول انقلاب است.
به ما آموخته‌اند که هستی خود را یکپارچه تار انقلاب کنیم...

بعد، زهر خندی میزد و اضافه می‌کرد:
... بر همه چیزها... حزب توده یک دکان سیاسی است؟
رفیق اصغر آقندر تلاش کرد، تا بعد از ۲۴ ساعت به صف اول نبرد منتقل شد. و این تازه آغاز کار بود. رفیق شهید در سنگر روز در رو با امپریالیسم امریکا غریب و رزمید و سرانجام چون همه تبار خونین توده‌ای‌ها هستی خویش را تار خلق کرد و روز چهارم مهرماه ۵۹ در نواحی مرزی سوسنگرد، هنگامیکه مردانه، همراه همزمان انقلابی‌مسلمان، راه نفوذ تانکهای دشمن را سد کرده پیروزه، خیارهای قامت پهلوانی‌اش را از هم درید و رفیق اصغر به قافله شهدای توده‌ای پیوست. خون شهدای دیگر توده‌ای، به سیلاب خسرتین شهدای خلق پیوست و اتحاد همه نیروهای خلق را استوارتر کرد.

ما که، بناچار، بملت دشواری رابطه با مناطق جنگ‌زده، اکنون موفق به انتشار زندگینامه این رفیق شهید شدیم، یاد دیگر خاطراتش را گرامی داریم و تجدید بیمان می‌کنیم که نبرد سترگ خلق قهرمان و حزب پرافتخار خود را تا پیروزی بر دشمنان خلق ادامه دهیم.

نه تسلیم نه سازش، نبرد با آمریکا

تحلیلی از شرایط چهارگانه تحویل جاسوسان امریکائی

سیکا رنیت، بلکه سرآغاز سردی است که، طی آن، آمریکا بایده فرمان انقلاب کردن نهد و در سراسر نیروی نبرد بگیرد مردم ما، که مرحله تازه ای از آن آغاز می شود. در سراسر همت و هتباری زمامداران مشول و متمعد، "کلیه تصمیمات اقتصادن و مالی خود را علیه کشور ما الفاء" و ابطال نماید". شرط سوم نیز صحنه دیگر نبرد است که اکنون بین ما و دشمن اصلی ما گذشته می شود و اعلام آن نه تارش و تسلیم، بلکه علامت آغاز هم آوردی جدی در یکی از حاسن سربس صحنه ها به خاطر ریشه کن کردن سلطه اقتصاد آمریکا است. این نبرد تازه، تازه آغاز می شود. مبارزه با شیطان بزرگ شکل نوین و عمیق تری می یابد و جهت های مشخص تر و ملموس تر و هدف های معین تر و دقیق تر پیدا می کند. طبق شرط سوم هرگونه دعای آمریکا و احصارات امیریا لیبستی آن، به هر صورت و به هر عنوان، از نظر اقتصادی، مالی، جزائی، مخوفی و غیره علیه ایران باطل و ملغی اعلام می شود. حتی اگر رای دادگاه های آمریکا علیه ما باشد، دولت است آمریکا باید تعهد کند و مانع شود که با سخگویی آن باشد و غرامت و خسارت احتمالی را خود بپردازد. زیرا هر فراموشی که تصور باشد و هر خسارتی که پدید آید، نتیجه سیاست و روش خود امیریا لیبس آمریکا است. لژی است که باید پای آن بنشیند، زیرا خود اوست که غریزه خورده و ده ها سال کشور ما را جاییده و مردم ما را استعمار کرده و استعمار کثانده است. اما حالا دیگر دوران آن کرگ داستان لافوتنن، که بالاتر از جوی آب می خورد و گوسمند رابه گل آلود کردن آب منجم می کرد، بسر رسیده. دیگر دلیل اقوی، اقوی دلیل نیست.

ما باید به آمریکا بقبولانیم و بر او تسلیم کنیم که اموال شاه ملعون، مال مردم ایران است و حق ما است که آنها را باز پس بگیریم. شاه ملعون نوکر بی چون و چرای آمریکا و شریک غارت ها و سرکوب های آن بود و هر چه ما کشف کرده ایم از آمریکا و بدست شریک و همدست و مامل او شاه بوده است. و هر چه شاه ملعون و خانواده منفور او از ایران به بیغما بیرون برده اند، مال مردم ایران است. ما باید زیر فشار نبردی هشیازانه و بیگیر به آمریکا تسلیم کنیم و بقبولانیم که اموال نوکرش مال او نیست. مال ما است. پس هر اقدام دولت ایران را در این زمینه آمریکا باید نافذ بنمرد و به رسمیت نشناسد. رئیس جمهور آمریکا باید مجبور شود که حکم صادر کند تا آن اموال را شناسائی و توقیف کند و اقدامات لازم حقوقی برای انتقال آنها به ایران به عمل آید. همه اینها در شرط چهارم مجلس شورا کنجایده شده است. برای آمریکا ممکن است تحمل این شرط هم، مثل سایر شروط، سخت باشد، ولی مگر برای ملت ما سخت نبود که نیم قرن زیر زنجیر امارت افسان خانواده ننگین به سربرد؟ مگر برای ما سخت نیست که ناظر به یادرفش مال مردم درمهد اصلی همه غارت ها و فشارها باشد؟ در این مورد هم در سراسر ما نبردی قرار دارد دشوار و بیفرنج، که به سروری مردم و یادفت و کارداسی مشولان امور، که در سراسر مردم و انقلاب متمعدند، باید در آن نیر سر دشمن خود فائق آفیم.

آری، شرایط تحویل جاسوسان، هر یک صحنه های نبردند که باید همانند نبرد نا آنها بر حور در کرد، یعنی برای معاف آماده شد و تدارک دید و در هر جا استراتژی و تاکتیک نبرد را، تا تحویل شرایط بردشمن و پیروزی در نبرد فراهم ساخت. باید پشت جبهه را بسج کرد، یعنی به توده مردم تکیه کرد، حق آنها را به کرسی نشاند، بزرگ مالکی را نابود کرد، سرمایه داری را درهم شکست، پایگاه درونی دشمن را نابود کرد. از سوی دیگر باید روی این نکته تکیه کرد که همه این شرایط به حق و معقول است و با دوران ما و نیاز انقلاب و دنیای کنونی کاملا منطبق است و ابدانثانی از عناد در خود ندارد.

این نبرد، که دنباله همان مرحله تازه انقلاب ما - انقلابی بزرگتر از اول - علیه امیریا لیبس آمریکا است، به همان اندازه، بلکه بیشتر، مشارکت توده های بیدار مردم و اتحاد و هتباری آنها، اتحاد کلیه نیروها و درایت و واقع بینی و آینه سگری و بیگیری رهبران کشور و سگان داران امور مملکتی را طلب می کند.

ما باید آمریکا را و اداریم تا در این مرحله جدید نیز تسلیم شود.

پس شرایط تحویل جاسوسان ایدا به معنای سازش و تسلیم نیست، البته یک حکومت سازشکار رویک عده افراد ساخت و پیاخت چی و طرفدار همکاری با آمریکا. و موافق با ادامه وابستگی می توانستند آزادی "گروگانها" را به گام اول در شرایط تسلیم و سازش بدل سازند و در جوی فذخلقی آن را دستاویز بده و بیستانهای غیر اصولی قرار دهند و به بهای استقلال و آزادی بادشمن اصلی کارسایند و جمهوری اسلامی ایران را از محتوی انقلابی و دما امیریا لیبستی و خلقی آن تهی سازند. ولی این چنین وضعی در کشور ما موجود نیست. برعکس، عوامل و اسباب چنین سازشی بر اثر نبرد یک ساله اخیر، که "گروگانگیری" علامت آغاز آن و تمعین انقلاب بود، به میزان زیادی از بین برده شده است. طبقات و قشرهای اجتماعی که می توانستند و می توانند مجری و عامل چنان سیاست و روشی گردند، به میزان قابل ملاحظه ای از سگان های اصلی کشورداری رانده شده، و با در حال رانده شدن هستند و بیش از پیش، از مان خلق طرد و منزوی شده و می شوند. به علاوه، سیاست های توطئه گرانه و تاجا و زگرانه آمریکا و روشهای غدارانه و

آن توان نبود.

ما باید به آمریکا بقبولانیم که، مطابق شرط اول ما، تعهد و تضمین کند که هیچگونه دخالتی، نه مستقیم و نه غیر مستقیم، چه سیاسی چه نظامی، در امور جمهوری اسلامی ایران نکند. "از آنجا که در گذشته همواره اینگونه دخالتها کرده است، و این واقعیت در شرط اول گفته شده است. تعهد این شرط خود یک صحنه بزرگ نبرد سیاسی با سرکرده امیریا لیبس جهانی است. در این هانشانی از پایان مبارزه و سازشکاری نیست. ما تازه در آغاز قبولانیدن این شرط، آنهم به نبر و در نتیجه مبارزه ای بی امان و آشتی ناپذیر به آمریکا هستیم. موفقیت ما چه در نبرد بزرگی برای همه خلقهای مستضعف جهان خواهد بود! چه مبارزه الهام بخشی را برای همه رزمندگان صدیق و دما امیریا لیبستی و پیوندگان راه خلق - خواهد ظلمید!

ما باید به آمریکا بقبولانیم که تمام سرمایه ها و اموال و دارائی های ایران را، که مسدود و توقیف نموده، آزاد کند.

مفتریان ادعا می کنند که این شرط ویژه ای نیست و انسداده اموال ایران توسط فرمان ۲۳ آبان ۵۸ گارتر، خود دنباله و بیانگر "گروگانگیری" بود و بنا بر این پس از آزادی "گروگان ها"، اتوماتیک



(۱) و خود به خود تلقی می شود، در حالی که این چنین نیست. در اینجا یک صحنه مبارزه اقتصادی جدی در برابر ما گشوده می شود، که باید با زحم آمریکا را در آنجا مجبور به تسلیم و عقب نشینی کنیم. دزدان بین المللی فعلا فقط از زبان رسانه های گروهی شان، از ۳ میلیارد دلار سیرده مستقیم ایران صحبت میکنند و حاضر نیستند درباره ۸ میلیارد دیگر بلوکه شده حرفی بشنوند. اعلام این شرط، خاتمه مبارزه و نشانه سازشکاری نیست. ما تازه باید به نبر و مبارزه ای بی امان و جدی، این پشه را از گوش آنان به در آوریم و به آمریکا تسلیم کنیم. نه فقط همه سرمایه ها و اموال و دارائی بلوکه و توقیف شده ما را آزاد کند، بلکه ایران، همانطور که در شرط دوم مجلس گفته شده، باید بتواند به هر کیفیت که بخواهد از آن استفاده کند. "امیریا لیبس آمریکا را وادار کردن که به تعویلات خود پیاپی دهد و دیگر او نباشد که کیفیت استفاده از اموال را به ما تحویل کند، کار کوچکی نیست. کاری است که فقط نتیجه یک مبارزه بیگیر و هشیارانه می تواند باشد. هر مردم ما و زمامداران ما است که در این مبارزه شرط دوم را هم تمام و کمال بر آمریکا تحویل کنند.

ما باید به آمریکا بقبولانیم که از این پس دوران ترک تازی ای اقتصادی او به سر آمده و بساط غارت گذشته برای همیشه برچیده شده است. شرط سوم نیز ایدا برای یک انقلابی مادی به معنای تمام شدن

واقعیت این است که مسئله "گروگانها"، طی یکسال اخیر، به مسئله گرهی در روابط ایران و آمریکا، یعنی رابطه بین انقلاب ایران و امیریا لیبس آمریکا بدل شده بود، و به همین جهت هرگونه طرح و بحث مسئله، و منجمله طرح و بحث چگونگی حل آن، با آزادی جاسوسانی که در جاسوسخانه در حال جاسوسی دستگیر شده بودند، مستقیما به ماهیت روابط بین انقلاب ایران و دشمن اصلی و خونی آن امیریا لیبس آمریکا مربوط می شود. این امری بدیهی و ناشی از خلعت دروسی تکامل روندهای اجتماع است، و به همین جهت هم، اکنون که مجلس شورای اسلامی، به دنبال رهنمودهای امام خمینی و از جانب مردم ایران، شرایط تحویل جاسوسان یا "آزادی گروگان ها" را به تصویب رسانده، خود این شرایط و خلعت آن ها و معنا و مفهومی که اینک، یکسال پس از تسخیر جاسوسخانه، پیدا می کند و به ویژه راهی که در آینده می کشاید و دورنمایی که در برابر روابط ایران و آمریکا باز می کند، از مهم ترین موضوعات مورد توجه مردم ما است. این هم البته امری بدیهی است و بحث پیرامون آن و تکاملش مفهوم آن و نگرانی نسبت به دست تکامل آن، نشانی از بیداری و مشارکت مردم و هواست مصرا نه آنها در جهت گیری ضد امیریا لیبستی است.

در ارزیابی "شرایط چهارگانه آزادی گروگانها" انواع نظریات را میتوان شید. بعضی ها از "سرخستی عنودانه و بی منطق روحانیونی که به قدرت رسیده اند، ولی سیاستمداری نمی دانند" صحت می کنند. عده ای دیگر می گویند "رهبران ایران تن به تسلیم داده اند و بیداری سازش شکست طلبانه و مفتحمی شده اند.

در زیر بسیاری از این ارزیابی ها، گاه مقاصد خطرناک ضد انقلابی و خرابکارانه نهفته است و گاه زمینه جینی برای تهیه یک سرمایه سیاسی از جانب ورشکستگانی که به تعمیر سیاست سازشکارانه و نزدیکی گام به گام خود با آمریکا، از مردم جدا و طرد شده اند و حالا، به خیال خود، با سوء استفاده از جو ضد امریکایی می خواهند با "جاسوسانی" آسرونی دست و پا کنند. از آنها باید بر حذر بود. ولی چه بسا که عدم اطلاع، عدم توجه به ماهیت رویداد ها، فریب خوردگی، ظاهریستی، قضاوت سطحی و شتاب زده، مطلق کردن مسئله "گروگانها" و یک معسدی کردن آن و عواقب آن، علت تحلیل نادرست و ارزیابی غلطی از تصمیم مجلس شورای اسلامی ایران باشد.

به نظر ما، شرایطی که مجلس شورای اسلامی تعیین کرد (و ما تمام مرمولسندی دقیق آن را برای اطلاع خوانندگان و قضاوت، با وقوف به امر، در شماره ۲۶۴ نامه مردم چاپ کردیم) نه عناد غیر عقلانی است و نه تسلیم طغی سازشکارانه، بلکه شرایطی است که در وضع کنونی و با محتوای معقول و در همین حال مبارزه جویانه خود، می تواند در درجه اول به معنای باز کردن جبهه های جدید و متناسب با شرایط تازه - نبرد علیه امیریا لیبس آمریکا تلقی شود.

آری، اعلام شرایط تحویل جاسوسان و پایان کار "گروگانگیری"، اعلام مصالحه و تسلیم و علامت سازش نیست، بلکه شروع مرحله نوینی از رویارویی انقلاب ایران و همه مردم انقلابی و قهرمان کشور ما و زمامداران متمعد و مشول جمهوری اسلامی ایران با امیریا لیبس آمریکا و توطئه های مکرر سیاسی و اقتصادی و نظامی و دیپلماتیک آن است.

در برابر انقلاب ما، با این چهار شرط، چهار صحنه نبرد وسیع و مهم علیه امیریا لیبس آمریکا گشوده می شود، که ما باید خود را برای شرکت در آن و مقابله با آمریکا و دساتش آن از نظر سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و حقوقی کاملا آماده کنیم و شیطان بزرگ را در یکایک این مرصه ها شکست دهیم. به نظر ما، محبت بر سر آن نیست که طبق یک "توافق قبلی" و "ساخت و پیاخت پنهانی" - آنچنان که ادعایت، بویژه از جانب معاف ساخت و پیاخت کن و سابقه دار در توافقی، شنیده می شود - سناریوئی در حال اجراء است. ایران که مرکز آمریکا را سه پلاقه نکرده بود، طبق این ادعا، چهار شرط را بر سر سره، عقد به گوش عاقد می خواند و طرف هم، بعد از کمی امتناع و تاز، بلکه را می گوید و ولت قدیمی، که به ظاهر از هم جدا شده بود، دوباره برقرار می گردد و روزانو روزی از نو، با زهم آتش همان آتش خواهد بود و گاه همان گاه، منتهی ذره ذره و با کش و قوسهایی، این ادعا، به نظر ما، داستان خواب شتر است و پخته داگه.

برعکس، به نظر ما، محبت از این است که در معاف صدهای که ایران انقلابی با امیریا لیبس آمریکا دارد، اینک چهار شرط به میان آورده شده، که برای به کرسی نشاندن آنها، برای قبولانیدن آنها به طرف و برای عملی ساختن یکایک آنها، در تمام جزئیاتش، باید رزمید، با جنگ و دندان هم رزمید و بییه سیاری توطئه ها و خرابکاری ها، محرومیت ها و کمبودها و رسالوسی ها و تزویرها رابه تن مالید. ما در آغاز یک نبرد تازه برای تحویل شرایط هستیم. مجلس شورای اسلامی ایران - شرایط معقولی را - به نمایندگی از طرف مردم ایران - عرضه داشته و اینک بر مردم مبارز ایران و بر مشولان امر و زمام داران کشور است که آمریکا را تا کز پز کنند که تسلیم این شرایط شود و با قبول آنها متحمل شکست تازه ای از انقلاب ایران گردد.

قبول این شرایط برای امیریا لیبس ها و جاسوسان، مکار و غدار آمریکا کار آسانی نیست. او به راحتی تسلیم نخواهد شد. ما باید قدرتمند - تری دولت امیریا لیبستی را در برابر انقلاب بزرگ خلقی بر خاسته، به زانو در آوریم. این خود مرحله نوینی از تعمیق انقلاب ایران در عمده ترین وجوه

قانون کار باید همه کارگران را به یکسان دربرگیرد حقوق کارمزدی، غارت دسترنج زحمتکشان است

شرایط کار و روبرو داشتن حقوق کارگران در بسیاری از کارگاهها بسیار کوچک و بزرگ هنوز بصورت کارمزدی است، و این وسیله است که کارفرماها هر چه بیشتر دسترنج زحمتکشان را بگارت می برند.

سماورسازی سیدزینالی از کارگاههایی است که حقوق کارگران آن بصورت کارمزدی پرداخت می شود. این کارگاه در بازارچه "قوام دفتر" در میدان حنیف نژاد تهران قرار دارد. مساحت آن دویمت متر است و پانزده کارگر و یک دفتردار در آن مشغول بکار هستند. برای آگاهی از مشکلات کارگران با کسی چند از آنها گفتگویی نشینیم. جناب کارگاه سزرگتر سماورسازی کارگاه کوچکی است و دو نفر از کارگران در آن مشغول کار هستند. در اصراف و سایر کارها قرار دارند و این دو نفر بدست سماورهای آبکاری می کنند. سماورکاری گفتگویی کنیم که چهارده سال است در اینجا کار می کند. وی می گوید: "بصورت کارمزدی کار می کنم. هر ماهی را که بدنه اش را آبکاری کرده و لوله و بقیه قسمتهای آن را آماده کنیم می و پنج ریال بابت آن دریافت می کنیم. روزهایی که کارباشند، حدود ده ساعت کار می کنم و دویمت و پنجاه تومان در آن مدارم. اما بسیاری از روزها کار نیست و با بعلت گرفتاری و بیماری سرکار حاضر نمی شوم. پس از چهارده سال کار، حتی یکریال بابت روزهای مرخصی نمی گیرم. بهمه احتیاجی هستم، ولی فایده ای ندارد. همیشه برای هردردی یک قرص کمی به ما می دهند. سود کارخانه هم به ما می دهند. با اینکه سماورسازی سود فراوانی برای کارفرما دارد. با بدلباسی کار می دهند که نمی دهند، از حق اولاد و غیره هم در اینجا خبری نیست. حتی شرکت تعاونی نداریم و مجبوریم برونج کیلوپیسی بابت تومان را بخریم. هر ماه همیشه چند روز بیکار هستیم. کناره این کشور تا بستانها کارگران را غلبی سخت است. کارگر دیگری که دو سال است در اینجا کار می کند، صحبتهای همکارش را تائید کرده می افزاید:

می خریدیم، که گرانتر تمام می شد. البته پس از تحریم اقتصادی آمریکا، این مواد زکشورهای اروپایی شرقی مانند لهستان وارد می شود. کارفرما از رفتن ما بداخل کارگاه جلوگیری کرد و پیرا صراما هیچ اعتنایی نداشت. البته کارگران را دیدیم، که اکثرا ایستاده مشغول بکار بودند. یکی از کارگران نیز در این مورد گفت: "اینهمه ایستادن سرپا، باعث پها درشدن دو آرنج می شود."

**کارگران می گویند: فعلاجون دولت
دزگیر جنگ با عراق است، از او
هیچ توقی ندانیم**

خودش صحبت کنیم. این کارگر محمد علی نام دارد و شش سال است در اینجا کار می کند. محمد علی می گوید: روزی که کارباشند حدود دو تومان کار می کنم. دوفروزنده دارم و جز حقوقی که بصورت کارمزدی هست، مزایای دیگری نداریم. نه حق اولاد، نه حق خوار و روغیره. وضع این منصف تمام با هرج و مرج است. چون سندیکا نداریم تا به حقوق ما رسیدگی کند. ما وضعیت رسمی نداریم. کارفرما هر وقت بخواد، می تواند ما را اخراج کند و با بقیه کار هم هیچ پولی ندهد. هیچ مرخصی رسمی نداریم. اگر کارکنیم، مزدهست، و اگر حتی به حال مرگ در رختخواب خوابیده باشیم بیکریال هم به ما تعلق نمی گیرد. روزانه ده ساعت کار می کنیم، برای اینکه لااقل پول کرایه خانه را در آوریم.

ولی با وجود این وضع و احوال این کارگران بکروز حقوقشان را برای جنبه جنگ و دفاع از زمین انقلابی اختصاص داده اند. هزاران کارگاه چون این کارگاه در سراسر ایران وجود دارد. هنوز قوانین ضد کارگری و طاغوتی بر آنها حکمفرماست. این مشکلات و نارسائیه تقریباً در تمام کارگاهها یکسان است. و کارگران از حقوق های حق خود چون حق اولاد، مسکن و خوار و روایی بهره اند. و سایر وسایلی که در کارگاهها اصولاً وجود ندارد، و اگر باشد، بسیار اندک و ناقص است. و کارگران حقوق خود را بکروز کارمزدی دریافت می کنند. پرداخت حقوق کارگران بطریقه کارمزدی باعث به غارت رفتن هر چه بیشتر دسترنج آنها می شود. کارفرما بدین طریق ساعاتی را که موظف است حقوق پرداخت کند و با درنگها و بیماری و دیگر گرفتاریهای خصوصی ما می دهد، پرداخت نمی کند. با این وسیله کارگران عملاً از مرخصی سالانه خود، که در قانون کار نیز بر آن تاکید شده است، و حق مسلم آنهاست، محروم می شوند و یا بدین طریق مدت هم برای کارفرما کارکنند.

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

دروود بر کارگران قهرمان شرکت صنایع دریائی استان بوشهر

شرکت صنایع دریائی بوشهر، با حدود ۲۶ نفر کارگر، عمده ترین شرکت تولیدی استان بوشهر است. این شرکت، با پیروزی انقلاب جدید امپریالیستی و خلقی مردم ایران، از دست آمریکا نیهای غاصب و جبار و لگن بیرون آمد و به دست مردم ایران، این ماحسان واقعی و اصلی شرکت، قرار گرفت. آمریکاییهای غارتگر با ریفتر بستند، اما نوکران و ایادی داخلی شان هر چه توانائی داشتند به کار بستند. تا وسیله موامل شان از ملی شدن شرکت جلوگیری به عمل آورند و شرکت را به تعطیل بکشانند. ولی مبارزات پیگیر مردم ایران در جهت تعمیق انقلاب تحت رهبری امام خمینی از یک طرف، و کوششهای خستگی ناپذیر کارگران این شرکت تحت نظر شورای اسلامی کارگران صنایع دریائی از طرف دیگر، امیدهای این نوکران اجنبی را به بیاسی مندل گردانید و اکنون شرکت در اختیار دولت صنعت از انقلاب است. با انتخاب و معرفی یک نفر به عنوان مدیر عامل جهت اداره شرکت، با همکاری شورای اسلامی کارگران، شرکت از خطر تعطیل رهایی یافته است. شورا و کارگران فعالانه با مدیر عامل همکاری می کنند و دسته جمعی در جهت افزایش تولید و باز آوری بیشتر می کوشند.

کارگران، که سالها در زیر سلطه استثمارگران آمریکایی بسر برده اند و یوغ سرمایه داران غیانتکار آمریکایی را بر پوست و گوشت خود حس می کنند می گویند:

"ما اگر خود و خانواده و زندگی مان را هم از دست بدهیم، حاضر نیستیم با ریدیکوز خنجر بردگی آمریکای جهان خوار را بپذیریم. ما اگر شب و روز با نان و جای سرکنیم، بالاخره دست آمریکای خون آشام را از میهن کوتاه خواهیم کرد. کارگران از جنگ عادلانه مردم ایران علیه تجاوزات صدام بیزید، این دستیار امپریالیسم آمریکا، پشتیبانی میکنند. آنها از همان روز اول تجاوز دولت مزدور صنعتی عراق اقدامی خود را برای جانبازی و دفاع از میهن انقلابی به مسئولین امور اعلام داشته اند. کارگران تاکید می کنند که باید دست متجاوزین از میهن عزیز ما کوتاه گردد و ما بالاخره صدام را سرچایش خواهیم نشانند.

کارگران صنایع دریائی از همان روز نخست حمله هوایی رژیم مزدور و خائن صدام حسین، با مراجعه به بسیج مستضعفین تعدادی اسلحه جهت پاسداری و حفاظت شرکت تحویل گرفتند و تاکنون شب و روز از سنگر خود پاسداری می کنند. کارگران بیای ۱۲ ساعت، در مواقع اضطراری، ۲۴ ساعت هم کار میکنند. کارگران اعلام میدارند که ما تمام وقت در اختیار مسئولین جهت انجام کارهای ضروری خواهیم بود. کارگران با اینکه حدود دو ماه است حقوقی دریافت نکرده اند، از آغاز جنگ تاکنون بیش از هر زمان دیگر آکمیهای مختلفی تشکیل داده اند و زیر آتش توپخانه دست نشاندهگان شیطان بزرگ - آمریکا، جهت تعمیرات به اهواز، خارک و بندر عباس فرستاده اند. بازده کار و فعالیت کارگران در مدت بیکماه اخیر قابل تقدیر و ستایش است.

با توجه به عدم پرداخت دو ماه حقوق کارگران، همین کارگرانی که تا دیروز در برابر آمریکاییهای جهان خوار بدون کفش و کلاه دست به کار نمی زدند، امروز برای تحکیم رژیم جمهوری اسلامی، بدون کفش و کلاه و لوازم ایمنی دوبرابر کار میکنند و تمام هم و غم کارگران و شورای اسلامی منتخب آنها این روزها صرف همکار و همیاری با سراداران ارتشی و پاسدار و توده های فبرنظامی استان است.

کارگران میگویند: "قره نهائی به طاغوت را کارگران زده اند و جهت کوتاه کردن دست آمریکای غیانتکار و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کماکان کارگران بیشتر از خواهند بود."

شوری، از اینها باید بروی. به همین جهت ما مجبوریم از بیمه شدن صرف نظر کنیم. "اودر ادامه سخنان گفت: "در اینجا بیشتر کارگران غسریه هستند (یعنی از شهرهای دیگر آمده اند) و برای چند ماه و بچند سال کار می کنند. آنها بیشتر به فکر جمع آوری مقداری پول برای سیر کردن شکم خود و خانواده شان هستند."

از او در مورد سیمه موقت پرسیدیم. متوجه شدیم که اصلاً داود از آن اطلاعی ندارد. از داود سؤال کردیم که چه تغییراتی در زندگی تو پس از پیروزی انقلاب پیدا کرده است؟ او گفت:

"فقط مزدمان بالا رفته. در مقابل اجناس هم گران تر شده اند. بنا بر این تغییراتی نکرده است. در مورد مزایای کارگری نسبت به سابق هیچ تغییری در وضع ما پیدا نشده است. آری، در اینجا، در اسلای این کوره های فقر در قلب کورسرداغ و شن زار روان، پس از گذشت نزدیک به دو سال از انقلاب بزرگ و شکوهمندمان، اربابان ظلم و ستم هنوز از خون کارگران تغذیه می کنند. برادرانمان، این کارگران سوخته از آتش و آفتاب هنوز چه عاشقانه چشم به انقلاب دوخته اند و منتظرند که از این پس دسترنجشان و نان بجه هایشان در اختیار آریاب نباشد. این کارگران خوب می دانند و خوب درک می کنند که دوران استثمار و حشتناک آریا سهری گذشته است و دوران رهایی انسان و گسستن زنجیرهای فقر فرا رسیده است و با این امید میتوان بر مشکلات جیره شدو سدهای فقر و بیماری و بیوادی رایگی پس از دیگری از میان برداشت. رهبر انقلاب، امام خمینی، با راهبانیهای پردرد خود اعلام داشته که: "این انقلاب کوخشندها است نه کاخ نشینان". بحالتی که مسئولین جمهوری اسلامی ایران به فکر این وارثان واقعی انقلاب باشند و نگذارند بسزای این حق این اسانهای شریف ضایع شود.

کارخانه های آجرپزی کاشانی: کوره های فقر در قلب کویر داغ و شن زار!

کارخانه آجرپزی "نبوی" دارای دوازده کوره دستی است و تعداد سی کارگر در آن کار می کنند. آجر در پای کوره هزاری سه هزار ریال و پای کار هزاری سه هزار و سیمصد ریال به فروش میرسد. مزد کارگر قالب زن هزاری نهصد ریال است. با یکی از کارگران این کارخانه به گفتگو نشستیم.

داود کارگر آتشکار کوره یزخانه اهل مشهد است و چهار سال است که در کاشان کار می کند. از وضع او جوینا شدیم. داود سری تکان داد و گفت: "فقط هر وقت کارکنم مزد می گیرم و هیچ چیز ندارم. از تعطیلی، مرخصی، بیمه و تعاونی خبری نیست. اگر ده دقیقه دیرتر سرکار حاضر شوم منشی با دداشت میکند و از مزد کم میشود و با اگر چند روزی مرخص شوم و بخوابم، نه تنها مخارج دکتر و دارو بعهده خودم است، بلکه از دریافت مزد هم محروم می شوم. همین چند روز پیش مرخص شدم و به بیمارستان شهر مراجعه کردم. دکتر نسخه ای بمن داد و گفت باید تقویت کنی. آخر کجاست آن حقوقی که ما بتوانیم خود را تقویت کنیم، غذای گرم بخوریم؟ اگر بخواهیم خود را تقویت کنیم، آخر هفته دیگر چیزی بر ایمان نمی ماند. غذای ما اغلب آبگوشت و پاشکنه است."

درباره وضع مسکن او پرسیدیم. گفت:

"زمستان علاوه بر سردی هوا، آب باران از درو دیوار اتاقمان می ریزد و تمام زندگی مان را بهم می زند. داود در مورد بیمه گفت: "هر وقت صحبتی از بیمه می شود، آریاب میگوید: اگر میخواهی بیمه

اخبار دهقانی

شر مالک را

از سر ما

کوتاه کنید!

روستای برج در ۱۶ کیلومتری جنوب "شازند" اراک واقع است. روستا حدود ۵۰۰ فرسنگت دارد. (۸۰ حایوار که ۱۰ خانوار آن حوتی-نشین هستند).

بزرگ مالک روستای برج، که در روستاهای اطراف نیز اراضی وسیعی دارد، در منطقه صاحب نفوذ زیادی است. یکی از اعضای شورای ده برج می‌گفت:

"عزت الله خان بیش از ۲۰ هزارهکتار زمین دارد، که بعد از انقلاب به تکاپو افتاد و فوری مقداری از زمین‌هایش را به دهقانان فروخت. او فقط در ده ما از ۲۶ جفت زمین، ۱۲ جفت از بهترین زمینها را برای خود نگهداشت و ۲۲ جفت آنرا به اهالی فروخت و بابت هر جفت زمین ۲۵۰۰ تومان از اهالی گرفته است. عزت‌الله خان ماغ وسیعی دارد که موتور برق و لوله کشی و دیگر تاسیسات در آن ایجاد کرده است."

اهالی روستای برج به حق انتظار دارند که هر چه رود نهیبت هفت نفری تقسیم زمین به این سله رسیدگی کند.

یکی دیگر از مشکلات اهالی، پل چوبی است که روی رودخانه واقع است و رستنها به علت طمان رودخانه، رمت و آمد اهالی را محتل می‌کند. از دیگر مشکلات روستائیان نبودن تراکتور است. آنها انتظار دارند که در این زمینه از طریق مقامات مشول و بویژه از سوی جهاد سازندگی به آنها کمک شود.

روستای برج، همانند دیگر روستاهای این منطقه، فاقد حمام بهداشتی و دیگر امکانات رفاهی، از جمله درمانگاه و... است. یکی از روستائیان می‌گوید:

"حمام ما اصلا قابل استفاده نیست و از دوره احمدشاه باقی مانده است."

وی سپس ادامه می‌دهد:

"برق تا "سرخسختی"، حدود ۶ کیلومتری ما، آمده، ولی ما برق نداریم."

ولی دهقانان در این شرایط دشوار جنگ تحمیلی آمریکا، همه این محرومیت‌ها را تحمل کرده و خواهند کرد و همه قوای خود را برای کمک به جبهه سنج می‌کنند.

بنی الله، عضو دیگر شورای ده، از مشکلات ده چنین می‌گوید:

"سال پیش برف زیاد بارید و اسال محصول زیاد نداشتیم. حتی بعضی‌ها اصلا چیزی نتوانستند برداشت کنند. ما می‌خواهیم که دولت وام، بدر و دیگر وسائل مورد نیازمان را در اختیارمان بگذارد."

وجود ۲۰ هزارهکتار زمین‌نشانه بی-عدالتی و ظلم و ستم واقری است که سالیان سال بردهقانان زحمتکش بی‌زمین و کم‌زمین رفته است، نشانهای است برای بیک بزرگ مالک سنگسال‌های متعادی شیره‌جان این دهقانان را مکنده است، نشانه محرومیت بی‌حدومرز این دهقانان است. لیکن می‌بینیم که چگونه این دهقانان محروم از همه چیز، بخاطر حفظ و حراست انقلاب بزرگشان در برابر فراترگران داخلی و خارجی، و هم‌اینک در برابر تجاوز رژیم صدام حسین، که یکی از حلقه‌های توطئه آمریکاست، قد علم کرده‌اند و در نقاطی کم‌مورد تهاجم قرار گرفته، تا آخرین قطره خونشان را نثار کرده‌اند. پس امر اجرای قانون اصلاحات ارضی را باید عاجل و فوری بدانیم. هیئت هفت نفری باید بعنوان یک وظیفه، خطیر و بدون درنگ به اجرای این امر مهم گمارد. باید در محو محرومیت‌ها از روستا بکوشیم، و همچنان که روستائیان خود می‌گویند و به حق هم می‌گویند باید برای کارشان تراکتور، بدر، کود و دیگر وسائل و نیز امکانات رفاهی را مهیا ساخت.

پیام به مردم روستائیان را گرس

دلاوران غرب کشور!

پاسداران کبیر کوه، دهقانان صیمره و خرم آباد، رزم آوران دلیر لور، کردان پشتکوه و کومان‌شاهان!

های شما در مراتع سبز خواهند چرید و شما در زمینهای متعلق بخودتان سرگرم کار پرشکوه و پر برکت خود خواهید شد.

فراموش نکنید که زندگی نیکمتم بار، میوه تلخ حاکمیت امپریالیسم هارتگر جهانی، بسز کردگی آمریکا، و رژیم فاسد و وابسته به آن است.

از یاد تیرید ظلمی که به شما از طرف نوکران ایرانی استعمارگران، از شاه ملعون و دولت او گرفته، تا

قتودال‌ها و خانها شده، گاهی به مراتب از هجوم اقوام خارجی سبمگین تر بوده است. امروز که

انقلاب ایران سلطنت منحوس شاه ملعون را از میان برداشته است و بر پیکر وابستگیان به اولسوزه انداخته، پیاخیزید تا جلو هجوم

امریکا و صدام حسین را نیز بگیریم. زاگرس، ای سرزمین دلاوران شکست‌ناپذیر، ای دژ پاسدار استقلال ایران و مهد انقلابیون

حق طلب!

به همت فرزندان دلیر خود در مقابل هجوم آمریکای جهانخوار مقاومت کن! جلوی تجاوز صدام خائن را بگیر! کوهستانها، تنگ‌ها و گردنه‌ها را به سنگ‌های شکست

نایدیر تبدیل کن! از انقلاب ایران و از آینده روشن کشورت و خانواده‌ات با تمام وجود، با تمام نیرو پاسداری

کن!

ای زنان دلاور مناطق زاگرس! زنان و دختران کوهپایه‌تشین! در دهکنده‌ها و زیر سیاه چادرها، هر کجا هستید، آهنگ نبرد را ساز کنید! با قدرت و با یانگ بلند بگوئید که شما نیز آمریکای جهانخوار را شکست خواهید داد، چنانکه مردم ویتنام شکست دادند.

شما بر صدام‌های خبیث پیروز خواهید شد، چنانکه بر آریامیسر ملعون پیروز شدید.

مردم روستائین زاگرس، پاسداران دلیر کوهستانها، دلاوران غرب کشور!

شما پیروز خواهید شد، زیرا حق با شماست. متحد باشیم، با همه وسائل و امکانات، هر یک در سنگر خود و مطابق با مقدرات خود بر زمین، تا پیروز شویم. جمهوری اسلامی ایران را تحکیم کنیم و انقلاب را به پیش ببریم.

تنگ و تفرت بر صدام حسین و بر امریکای جهانخوار!

سپاه پاسداران را عملی کنید. با هر وسیله‌ای که در دست دارید، به پاسداران انقلابی و ارتشیان دلیر کمک کنید. به ستاد بسیج مراجعه کنید و همه امکانات خود را در اختیار آن بگذارید و از مراتع و مزارع، از دامها و احشام، از خانه و کاشانه خود دفاع کنید. تا روزی که آخرین سرباز صدام ایران را ترک کند، بجنگید، درسنگر و در محل کار، تا پیروز شوید. فقط پیروزی بر آمریکا و همه توطئه‌های



نظامی و سیاسی و اقتصادی اوست که میتواند انقلاب ایران را استوار نگاهدارد و آنرا به شکوفائی برساند و نظامی مردمی برقرار کند، تا مردم "غرب کشور" نیز، مانند همه ایرانیان، برادر و برابر زندگی کنند و همه، از شهری و روستائی، از شرایطی که در شان یک انسان و شایسته جامعه انقلابی ماست، برخوردار شوند.

از یاد تیرید که پس از محو آثار تجاوز صدام حسین و پیروزی بر آمریکا، کودکان شما نیز به مدرسه خواهند رفت، خانواده‌های شما از رفاه و زندگی بهتری در روستا برخوردار خواهند شد، دام-

گوش کنید! شما عشایر و دهقانان قهرمان، در خط نخستین جبهه قرار گرفته‌اید. آمریکای جهانخوار، به کمک مزدوران عراقی خود مانند صدام حسین، وطن شما را مورد حمله قرار داده است.

چشم امید مردم انقلابی ما و جمهوری اسلامی ایران بشما دوخته شده. پیروزی مبین انقلابی ما در جنگ تحمیلی کنونی، پیروزی شماست، و پیروزی شما، پیروزی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است نگذارید حتی یک وجب از سرزمین شما در دست آمریکای جهانخوار بماند. نگذارید حتی

یک حبه محصول، یا یک بزغاله به دست مزدوران صدام بیفتد. مردم سراسر ایران، از شهری گرفته تا روستائی، کارگران، پیشه‌وران، همه زحمتکشان در کنار شما قرار

دارند. مردم قداکار و ازجان گذشته شهرهای خوزستان و در پیشاپیش آنها کارگران قهرمان خوزستان، پاسداران انقلابی

حماسه‌آفرین، و سربازان و درجه‌داران و افسران وطن‌دوست ایران در کنار شما هستند.

بگوئید تا وارث شایسته اجداد خود باشید، که طی قرن‌ها از مرز و بوم خود دفاع کردند. شما هم از سرزمین اجدادی خود، از میهن انقلابی خود نگهداری کنید.

تنگ‌ها و گردنه‌ها را به گورستان دشمن تبدیل کنید، همانگونه که کارگران و زحمتکشان شهرهای خوزستان کوه‌ها و خیابانها را

به قتلگاه دشمن بدل کرده‌اند. شما اکنون مدافع انقلاب در اولین سنگر هستید. و ایران انقلابی یاور و پشتیبان شماست. درست است که

هنوز از انقلاب بهره‌چندانی، از نظر مطالبات حقه‌ای که شما دارید، نصیبتان نشده است، ولی از یاد تیرید که در این مدت انقلاب ما

دشواریهای بی‌شمار در برابر خود داشته و با ایستادگی توانسته است زنجیر ظلم و فساد استبداد را درهم شکند و بدور ریزد و زنجیر اسارت و بهره‌کشی امپریالیست‌ها را، که

بر دست و پای ما بود، پاره کند؛ توانسته است زمینه مساعدی برای ساختن زندگی بهتر و ایرانی آزاد

و همین است که آمریکای جهانخوار، با هر وسیله‌ای که در دست دارد، از داخل و خارج، به ایران انقلابی

می‌تازد. این بار آمریکا به یاری دستیار خود صدام حسین به ایران تجاوز کرده است.

پس هوشیار باشید! در بسیج مستضعفین شرکت کنید. فرامین

پس هوشیار باشید! در بسیج مستضعفین شرکت کنید. فرامین

پیام مادر شهید قهرمان دانش شریعت پناهی

مادر شهید قهرمان، عسکری دانش شریعت پناهی، و همچنین حواهران و برادران رفیق شهید، پیامی برای دوستان، همزمان و رفقای عسکر فرستاده‌اند، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد.

شایان ذکر است که مادر رفیق شهید عسکر، انگتر خود را بعنوان کمک، به حزب تقدیم کرده و نوشته است:

"بسم عسکر در دامان حزب توده ایران پرورش یافت و قهرمان شد. این هدیه کوچک را، که یادگار عسکر بود، به حزب بزرگ تقدیم می‌کنم."

علاوه بر این، در مجلس یادبود خانوادگی به مناسبت شهید رفیق عسکر، خویشان، رفقا و دوستان وی، مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال برای کمک به حزب تقدیم کرده‌اند.

* * *

مادر شهید قهرمان، عسکری دانش شریعت پناهی، در پیام خود می‌گوید:

"درود به رهبر بزرگان امام خمینی دوستان، همزمان و رفقای عسکر! گریه نکند، سوگواری نکند. شما باید سنگ عسکر را برکنید.

شهم گریه نمی‌کنم و حاضر برای دفاع از وطن عزیزم، انقلاب و جمهوری اسلامی برمی‌آیم امام خمینی، درسگر پرشیدم باستم.

بسم شجاع بودم و در راه وطن و جمهوری اسلامی ایران شهید شدم. سکه کاری نکرده‌ام، فقط یک پسر، که او هم متعلق به همه مردم انقلابی ایران بود، تقدیم انقلاب کرده‌ام.

حضرت زینب به ابارت درآمد، ولی راه برادرش را ادامه داد. ما سر باید راه برادران و فرزندان عبور و باصرف خودمان را ادامه دهیم. باید چون زینب مبارزه کنیم، تا شیطانها و برده‌های زمان، یعنی آمریکا جنایتکار و بوکراسی چون صدام را برانو درآوریم. عدم حسین، شد شهید، برای پیروزی حق بر باطل مبارزه کرد و شهید شد و بر سرش راه جدش را رفت.

له، مرگ فرزند دردناک است. ولی من ناراحت نیستم. زیرا عسکر تنها پسر من نبود. او متعلق به همه مردم بود. من افتخار می‌کنم که بسم عسکر فرزند خلق بود، مبارز

انقلاب بزرگان گرفته است. امروز روز رزم است. روز جنگ است و روز جهاد نورعلیه ظلمت است. جوانان ایران، فرزندان من، همت کنید. سگر عسکر و عسکرها را بزرگ کنید. تا دشمن پلید فرصت نیابد که مزار مقدس شهیدای ما را یا مال کند.

عسکر! شهید راه حق و خلق، خدا حافظ! خدا حافظ که الان مرصت نیست و باید بمقابله دشمنان و شیاطین شتافت. روزی که بوزه همه دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را به خاک سالم و پیروز شویم، به سقرت برمی‌گردیم و پیروزی خون پاک تو و همه شهدا را جشن می‌گیریم.

لعنت خدا بر شیطان بزرگ آمریکا! لعنت خدا بر صدام بزید و همه صدامها، این قاتلان فرزندان شهید ما."

درجهان سومالیسم

در سه دهه گذشته درآمد ملی کشورهای
«شورای همیاری اقتصادی»
از ۵ درصد افزایش یافت

در سه دهه اخیر درآمد ملی کشورهای شورای همیاری اقتصادی سالانه بطور میانگین ۵/۳ درصد افزایش یافته است.

جدول زیر رشد درآمد برخی از این کشورها را در این مدت نشان میدهد:

بلغارستان	۸/۱ برابر
جمهوری دموکراتیک آلمان	۶/۲
خولستان	۲/۶
رومانی	۲/۸
اتحاد شوروی	۵/۴
مجارستان	۲/۵
چکسلواکی	۳/۷

درجهان سرمایه‌داری

رکورد جدید بیکاری در کشورهای
«جامعه اقتصادی اروپا»

بموجب گزارش، که چند روز پیش از سوی اداره آمار جامعه اقتصادی اروپا انتشار یافت، بیکاری در اواسط تابستان ۱۳۵۹، در کشورهای نم گانه "جامعه" به رکورد ۶/۷ میلیون نفر رسید. بدین ترتیب ۶/۱ درصد جمعیت فعال "جامعه" اقتصادی اروپا بیکار هستند. بیکاره شایه در سال پیش ۵/۴ درصد بود.

جدول زیر افزایش بیکاری را در برخی از کشورهای جامعه اروپا نشان میدهد.

کشور	امراض بیکاری (درصد)
بلژیک	۱۸/۴
بریتانیا	۱۴/۳
لوکزامبورگ	۱۳/۵
هلند	۱۱/۹
جمهوری فدرال آلمان	۹/۲

پیام خواهران و برادران شهید قهرمان عسکری دانش شریعت پناهی

بازی پس سنگین را بر دوش ما گذاشت. این وظیفه دشوار و این بار سنگین عبارت است از آمادگی برای مبارزه تا پای جان در حفاظت از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران علیه امپریالیسم غدار، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران آن در منطقه، چون صدام - جنایتکار و همصدام - های رنگ و وارنگ. ما آمادهم تا از خون پاک برادر شهیدمان عسکر و همه شهدای خلق، با ایثار جان خود در قدامت و وحدت صفوف انقلابیون ایران شهید شد. به پاس این خونهای پاک، وحدت نیروهای رزمنده و انقلابی خلق را حفظ کنیم. تفرقه، روزنه امید و راه نفوذ دشمن می‌دهیم.

اقدامات مردمی دولت زیمبابوه برای تودمهای ستمدیده

دولت زیمبابوه بر آوردن نیازهای توده محروم و ستمدیده را از اولویت برنامه خود در راه بنای یک زیمبابوه آزاد و مستقل میداند. دهقانان محروم و ستمدیده زیمبابوه از سخنان رابرت موگابه، نخست‌وزیر کشور، مبنی بر صادره زمینهای بزرگ مالکان سفید پوست و تقسیم این زمینها در میان دهقانان بی‌زمین و گه‌زمین‌شدیدا استقبال کردند.

در پی سخنان موگابه، کمرشنان اقتصادی دولت اعلام کردند که مشکل زمین در حال حاضر یکی از حادترین مسائل است که باید بدون تأخیر حل شود. رژیم شد خلقی و استثماری است - مؤذروا تلاشی داشت که آمریقائیان را از زمینهای حاصلخیز محروم کند هنگام استقلال زیمبابوه، چهار میلیون سیاه‌پوست تنها ۱۴ میلیون هکتار زمین کشاورزی در اختیار داشتند، در صورتی که چند هزار مالک سفید پوست، پنج میلیون هکتار زمین را بيشترانه نصیب کرده بودند و خون کشاورزان محروم و زحمتکش را می‌مکیدند.

ککهای سازمان حزب توده ایران در قزوین

در ادامه ککهای سازمان حزب توده ایران - شهرستان قزوین به مناطق جنگ زده کشور و رزمندگان جان برکف انقلاب، روز ۲۱ مهرماه، بمقدار ۱۳۵۰ کیلوگرم قند، که از سوی حزب توده ایران - سازمان - شهرستان قزوین جمع - آوری شده بود، به متاد جمع آوری ارزاق در قزوین تحویل شد.

منت ها را در گلویشان بشکنند و خفه کنند، و چون این چنین است، ما با آمریکا مبارزه میکنیم.

این سخنان نشان بار زمشولیت و تمهیدات نقلی است که به نیروی خلقی بیدار و قهرمان به جلو می‌رود خود عزم، نبردها و مصنعه هما وردیها را انتخاب میکند و اینک سران دارد که در مصنعه نبرد شرایط چهارگانه در کلیه موارد و با تمام اجزاء خود، آمریکا را تسلیم و شرایط را تحمیل کند. و گرنه با زهم آمریکا هست که مفتضح و رسوا میشود و خود کما مکی و تها و زکا ریش بر ملا میگردد و "گروگانها" پیش همراهِ با تمام سیاست و گذشته تنگنیش، به محاکمه کشیده میشود.

به همین علت و با همین برداشت است که، خلق بیدار و آگاه ما، در روز ۱۳ آبان ۵۹، بر تصمیم مجلس سهرتا کیدنها دو یکمدا فریا دکرد:

"ای ملت ایران، برپا بویا، با سلسلهای سوی آمریکا!"

ما با دشمن ممدده انقلاب خود، خلق خود و میبیس خود، مبارزه ای طولانی در پیش داریم، تا آن هنگام که پیروزی قطعی و سبائی را بر او تحمیل کنیم و شکست نا پذیر خود را به او ثابت کنیم. ما بر توطئه خویشا رتجا و زهدام چنین مائق خواهیم آمد و آنرا هم مانند سایر نقشه‌های توطئه گرانه آمریکا در هم خواهیم شکست. ما باید با تسبیح تمام نیروها و امکانات خود، با بهره گیری از تمام امکانات و مقدرات، که انرژی خلاقه مردم را به حرکت وادارد و سبیل بنیان کن خدا میربا لیستی را تقویت بخند، در هر مه جدید نبرد، یعنی تحمیل شرایط چهارگانه، همانند سایر مرصه‌های بسیار متنوع و سمرج روبرویی با امپریالیسم آمریکا، با پیروزی تویم، همانگونه که جهت الاسلام موسوی خوشیها ۱۳۰ آبان ماه ۵۹، در سالروز اقدام قهرمانانه و انقلابی "گروگانگیری" و تسخیر جاسوسخانه و فرادای روز تصویب شرایط چهارگانه توسط مجلس شورای اسلامی، گفت:

"نهایت آن روز که شاعر مرمت بر آمریکا برفتند و شاعر دیگری جای این شاعر را پر کنند. بدانید، بدانید که آمریکا دشمن اصلی و شماره یک ما است."

با آن خلق بیدار و آماده نبرد و با این سیاست رهبری، انقلاب ما در راه خود با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خویش، مسلما تمیمی خواهد یافت، به پیش خواهد رفت و به پیروزیهای بیشتری - معسلیه در هر مه شرایط چهارگانه - دست خواهد یافت. بیضمه ما است که در این جهت حرکت و عمل کنیم.

تنها در حفظ با مجازات ۵۲ نفر جاسوس بدانیم و در نتیجه تمام توطئه‌ها و دشمنیهای آمریکا را با ایران بر سر "گروگانها" به حساب آوریم، بشدت اشتباه کرده ایم. همانطور که آمریکا نه "گروگانها" بلکه ایران را میخواهد و دنبال آزادی آنها نیست بلکه دنبال سرکوب یا سبغ و نا بودی انقلاب ایران است ما نیز "گروگانها" را مظهری از سیادت نسو استعماری آمریکا و "گروگانگیری" را مرحله ای از نبرد اساسی و قطعی خود با امپریالیسم آمریکا میدانیم. نبردی که ایجاد و جنبه‌ها و وجوه بهشمار دارد و ابدا و اطلادر مسئله جاسوسها خلاصه نمیشود. روند "آزادی گروگانها" با تحویل سبغ جاسوسها، با تحمیل این شرایط ۴ گانه به دشمن، میتوان دوباره مرحله تازه ای از این نبرد را آغاز کرد. جنبه‌های عمیق تر و ملموس تری از آنرا بر روی صحنه آورد، انرژی بیشتر توده مردم را بسیج کند و هشیاری و تدبیر بیشتر زعمای کشور را طلب نماید. خلاصه به تمیمی انقلاب بیانجا مد. وظیفه ما است که جلوی تا بهمه پراکنشیها و تبلیغات دشمنانه ضد انقلاب و عوامل لیبرال و سا زکا را، که به اقتضای موقع، نقاب "چپ نمائی" زده اند، بگیریم و توجه کنیم که شرایط چهارگانه مصوبه مجلس شورای اسلامی برای انقلاب ما زمینه جدید و عمیق نبردی همه جانبه با امپریالیسم آمریکا را فراهم می‌آورد. آمریکا را باید با زهدا مبارزه، با پاس فشاری، با هشیاری، با سیاست درست، با اتحاد و بکار گرفتن همه امکانات، در برابر این شرایط واداره تسلیم کرد. جهت الاسلام خا منه ای نماینده امام در شورای عالی دفاع، امام جمعه تهران و نماینده مجلس، گفته است: "آیا کوشش برای حل مسئله گروگانها بسسه معنای تغییر مشی سیاست دولت جمهوری اسلامی و دستگاه اجرائی در مقابله با آمریکا است؟ جواب اینست: نه! این جواب قاطع، راه درست و برداشت درست را از شرایط پیشنیادی نشان میدهد. باز هم جهت الاسلام خا منه ای ادامه میدهد: "ما دنباله این خط و حرکت را ادامه میدهم... باز هم با آمریکا می‌جنگیم، زیرا آمریکا ظالم و مستکبر و جها نخوار است، زیرا با اسلام و استقلال ملت ما و همه ملت‌های مستضعف مخالف است، زیرا از نیروی مادی خود استفاده میکند تا فریاد حق طلبانه

نه تسلیم

بقیه از صفحه ۳

حیله گرانه آن نیز در این یک سال بسی فاش شده و انقلاب ما در مدمه ترین وجه خود حوجه صدامی را تسلیم نمی‌گردد. تمیمی جدی یافته است.

همه اینها مرمون امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است که با درایت و قاطعیت راه را بر هرگونه سازش غیر اصولی بستند، در عین اینکه در موضع حق و معقول ایستادند.

همه اینها مرمون خلق قهرمان ما است که بسا بیداری و هشیاری و استواری، با مسانت و آگاهی انقلابی، دشمن اصلی و واقعی، شیطان بزرگ آمریکا را می‌شناسد و برای ریشه کن ساختن تسلط و نفوذ و از مبین انقلابی جانبا زانه بیکار می‌کنند.

همه اینها مرمون نیروهای آگاه انقلابی است که به پیروی از خط امام و با تکیه به نیروی لایزال خلق، برای تحقق اهداف خدا میربا لیستی و مردمی انقلاب مبارزه می‌کنند.

همه اینها از جمله مرمون اقدام انقلابی و جورانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام است، که با عمل قهرمانانه افتخاری سفارتخانه آمریکا به تابه جاسوسخانه و مرکز حکمرانی و تمیمی سزوت ایران و دستگیری جاسوسان، که از جمله حکمرانان و تممیم گیرندگان دربار کشور ما و مردم ما بودند، با پشتیبانی رهبر انقلاب با قوس برطنین مرحله دوم انقلاب را بعد در آوردند. آنها عمیق ترین جنبه انقلاب ما را، که جنبه نبرد با طرا استقلال و ملیه سلطه امپریالیستی در تمام ابعاد آن بودیها رز - ترین وجهی متجلی ساختند، تضاد اصلی جامعه ما را شکافتند و آنرا در معرض مشارکت آگاهانه توده‌های مردم قرار دادند. آنها میلیونونها تن را بیکاری دادند که در حل این تضاد مدمه، جامعه ما نقش تاریخی ساز خویش را ایفا کنند. بهبوده نیست و بیجا نیست که گمانی تسخیر جاسوسخانه و "گروگانگیری" را، در مقیاس تمامی ۳-۴ هزار ساله تاریخ مبین ما، یکی از ۳-۴ رویداد سرنوشت ساز و کلیدی، که چرخش‌های عظیم در روند تاریخ ایران بوجود آورده، ارزیابی میکنند.

همه اینها حکایت از اهمیت بیکران "گروگانگیری" و در معنای اصلی آن، رابطه انقلاب ایران با امپریالیسم آمریکا میکند. اگر این رابطه را تنها در "گروگانگیری" خلاصه کنیم و نبرد خود را با آمریکا

آیت‌الله دکتر بهشتی:

امپریالیسم از دست زدن به هیچ جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد

● موضع گیری خصمانه امپریالیسم جهانی علیه انقلاب ما ریشه‌های عمیقی دارد

دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در مصاحبه مطبوعاتی متفکر خود که دیروز بر گزار شد تاکید کرد که امپریالیسم از دست زدن به هیچ جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد.

در ابتدای مصاحبه دکتر بهشتی در پاسخ خبرنگاری که نظر وی را درباره سرنوشت جنگ پرسید گفت: بر شک ملت قهرمان و پایداری ما و مردم زیر سلطه و تحت فشار سرزمین عراق در این ماه با حماسه والا تری و مبرورشان با رژیم بعث عراق ادامه خواهند داد و توانشان در بر آوردن این رژیم تحمیلی افزوتر خواهد بود.

امیدواریم این افزایش توانی آثار مشهود خودش را نشان دهد.

وی در پاسخ سئوالی درباره برابری همه افراد اعم از مشولین و مردم هادی در برابر قانون گفت: طبیعی است که یکی از انتظارات اساسی از جمهوری اسلامی ایران اینست که دستگاه قضائیت دستگاهی باشد دقیق و مدافع حق، با نگرشی یکسان برای همه.

بنظر من شرط اساسی رسیدن به این آرمان داشتن سیستم قضائی بهتر از آنچه امروز داریم و بخصوص تلاش برای آشناتر شدن و عدت کردن همه مردم ما به یک چنین فرهنگ اجتماعی و قضائی است که همه بتوانند به آسانی و بغوی این برخورد یکسان حق پرستانه را درک کنند و بپذیرند.

در پاسخ سئوال دیگری درباره سرنوشت گروگانها و محاکمه آنها دکتر بهشتی گفت: تا ساله از نظر سیاسی دقیقا تکلیفش روشن نشود نمی توان محاکمه‌ای را آغاز کرد. بنابراین لازم است مجلس دقتاتجربه کارهای خودش را به اطلاع شورای عالی قضائی برساند تا در صورتیکه راه حل پیشنهادی نمایندگان مردم برآسی به ثمر نرسیده باشد و مجلس مصمم باشد که آنها محاکمه شوند از نظر قضائی اقدام شود.

دکتر بهشتی در پاسخ سئوال دیگری مربوط به اقدام دادستانی برای تعیین سررشتهای جدید رادیو تلویزیون گفت: بهرحال لازم بوده است یک مقام مشول برای پایان دادن به بر سر وسامانیهای آنها تصمیمی اتخاذ کند. اتخاذ چنین تصمیمی تا آنجا که به حفظ اموال و حقوق اشخاص مربوط می شده، در چنین حالتی، در صلاحیت دادستان است. از آنجا که حفظ اموال و حقوق بدون تعیین مدیریت میسر نبوده دادستان به تعیین مدیر اقدام کرده است.

دکتر بهشتی در پاسخ سئوال دیگری که پرسید آیا حل مساله گروگانها در سرنوشت جنگ اتري خواهد داشت آیت‌الله بهشتی پاسخ داد: فکر نمی کنم اثر چندانی داشته باشد، برای اینکه موضع گیری خصمانه امپریالیسم جهانی بر ضد انقلاب اسلامی ایران ریشه‌های عمیقتری دارد. موفقیت این انقلاب بهرحال منافع آنها را در منطقه متزلزل می کند و معادلات سیاسی و اقتصادی را بر هم می زند. طبیعی است که گروه بزرگی از مردم از عراق به مجرم داشتن متله ایرانی، که هر بار بعنوان فشار بر ایران مورد استفاده رژیم نابکار و متکرر صدام قرار گرفته، و یا مسئله میادله اسیران جنگ و غیره، که باید حل شوند. مجموعه این مسائل میبایستی مورد مذاکره قرار گیرند و عادلانه، بر مبنای حقوق موازین بین المللی، یکبار برای همیشه حل شوند و اجرای تاحیج حاصله از مذاکرات تضمین گردد.

فلا دارو دسته صدام، ضمن گرفتن قیافه صلح طلب، به جنگ جنایتکارانه خودش علیه خلق و کشور ما ادامه میدهد و بنابراین وظیفه عمده ما، در کنار کوشش سیاسی برای راندن صدام به درون مرزهای خویش، راندن آن با فشار کوبنده نظامی است. از گفته‌های فرمانده کل نیروهای مسلح، دبیر شورای عالی دفاع و دیگر مقامات مشول چنین بر می آید که این فشار کوبنده نظامی روز بروز بیشتر میشود و زمینه شکست قهضمی دشمن متجاوز فراهم میگردد.

بلاوه عراق باید تمهید شود که دیگر مانند گذشته در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران مداخله نخواهد کرد، به ضد انقلاب در کردستان و در هیچ جای دیگر ایران کمک نخواهد کرد و نیز به ضد انقلاب گریخته از ایران، در خاک عراق میدان فعالیت نخواهد داد. مسائلی نیز هست نظیر مسئله آزار ایرانیان مقیم عراق و راندن غیرانسانی

خبرنگار دیگری پرسید آیا فکر نمی کنید امپریالیستها به بهانه افزایش قیمت نفت در اثر جنگ تحمیلی عراق به ایران به کشور ما حمله کنند؟ دکتر بهشتی پاسخ داد: امپریالیسم از دست زدن به هیچ جنایتی در راه رسیدن به مطامع خود ابا ندارد ولی صرفا افزایش بهای نفت بعید است انگیزه آنها برای جنایتی تازه شود.

خبرنگاری پرسید: دادستان تهران اعلام کرده که آقای قطب زاده تحت فشار لیبرالها آزاد شده است و همچنین آقای قدوسی در مصاحبه تلویزیونی خود گفته اند که شاید ما مجبوریم روی مسائلی که نمیتوانیم مطرح کنیم ایشان را خیلی زود هم آزاد کنیم. بیان این مطلب از جانب مقامات مشول ضایع یا بگونه‌ای اعتراف به دخالت امور سیاسی در مسائل قضائی نیست؟ رئیس دیوان عالی کشور پاسخ داد: طبیعی است که به چنین اعتراضی است و از دید من غیر قابل قبول. زیرا آقای قطب زاده برای ادای توضیحاتی به دادستانی انقلاب تهران احضار شده بودند و پس از ادای توضیحات مقام قضائی باید تصمیم بگیرد که متهم را یا ذکر دلیل آزاد کند، بدون کفیل یا یا کفیل یا احیاناً بازداشت کند و برای مردنیز توضیح دهد. از نظر من نقص عمده‌ای که در جریان آقای قطب زاده، در رابطه با مشولین قضائی، به چشم می خورد اینست که چرا بلافاصله با توضیح کافی ملت قهرمان ما را در جریان این بازداشت نگذاشته اند. من به آقای قدوسی هم عرض کردم که اگر ایشان تشخیص داده اند که باید آقای قطب زاده بازداشت شوند، لازم بود همان روز جمعه جریان را با ذکر دلایل کافی با اطلاع ملت می رسانند و بهرحال تصمیم گیری مقامات قضائی بر اساس فشارها امری است نامتناسب با استقلال واقعی که باید دستگاه قضائی داشته باشد و استقامتی که باید قضا در برابر جریانها از خود نشان دهد. گمان می کنم اگر مطلب همانطور باشد که می گوئید این کفارة اقدام نکردن فوری به دادن اطلاعات لازم به ملت قهرمان ایران است.

خبرنگار دیگری سئوال کرد: مساله‌ای که اخیرا پیش آمده برای جریان دستگیری قطب زاده و یا تعیین سرپرست برای رادیو تلویزیون، آیا شما اصل آن به اصطلاح مناظره‌ای که تشکیل شد خارج از یک جریان حساب شده در این شرایط جنگی برای انحراف انقلاب می دانید؟ آیا این را یک برنامه حساب شده در رابطه باستون پنجم نمی دانید؟ دکتر بهشتی در پاسخ گفت: آنچه باستاند مدارك موجود در رادیو تلویزیون گزارش کرده اند اینست که پخش نوار این مناظره در برنامه پیش بینی شده روز پنجشنبه نبود است. طبیعی است که پخش آن سئوال انگیز باشد و برای من همین مساله سئوال انگیز است.

دکتر بهشتی در پایان این مصاحبه و در پاسخ به سئوالی در مورد وضع مردم در زمستان از نظر مواد غذایی و غیره اظهار داشت: مردم دنیا با چنین سختی‌هایی در جریان یک کارهایی که ملتها برای حفظ استقلال و آزمان خود تحمل می کنند آشنا نیستند. تاریخ نمونه‌های متعددی از این استقامت‌ها را نشان داده است. در همین سی سال اخیر در اروپا این وضع برای ملت‌های آلمان، یوگسلاوی، روسیه پیش آمد. آیا ملت‌های زنده جز استقامت هر چه تمامتر در این راه، راه شرافتمندانه دیگری می توانند داشته باشند؟

دکتر بهشتی در پاسخ به سئوالی در مورد وضع مردم در زمستان از نظر مواد غذایی و غیره اظهار داشت: مردم دنیا با چنین سختی‌هایی در جریان یک کارهایی که ملتها برای حفظ استقلال و آزمان خود تحمل می کنند آشنا نیستند. تاریخ نمونه‌های متعددی از این استقامت‌ها را نشان داده است. در همین سی سال اخیر در اروپا این وضع برای ملت‌های آلمان، یوگسلاوی، روسیه پیش آمد. آیا ملت‌های زنده جز استقامت هر چه تمامتر در این راه، راه شرافتمندانه دیگری می توانند داشته باشند؟

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی ناظرین پیش از دستور به امپریالیسم آمریکا حمله کردند و خواستار وحدت اجتمالی در دوران جنگ شدند. در آغاز این جلسه که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، ابتدا رضایی به عنوان اولین ناظر پیش از دستور در رابطه با وحدت اجتماعی در دوران جنگ سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت: دشمن خارجی همواره در تمامی جنگها سبب شده که نیروهای داخلی کنار هم بیایند و با هم متحد شوند. ما این مورد را در میان توده‌ها و کسانی که شهادت داده اند، می بینیم، ولی در دولتمردان غیر یکی از مواردی که می توان با پرهیز از آن از تفرقه جلوگیری کرد افراط و تفریط است. ناظر سبس به ضرورت اجرای قانون اساسی اشاره و سپس تاکید کرد که نمایندگان مجلس نباید چند شغله باشند. دومین سخنران پیش از دستور فخرالدین حجازی بود که به شدت به آمریکاکامه کرد و امپریالیسم آمریکا را وارث جباران تاریخ خواند که سرنوشتی شوم تر از

رزمندگان انقلاب دلیرانه متجاوزین صدامی را زیر حملات خود گرفته اند

● جنایتکاران رژیم صدام حسین همچنان مناطق مسکونی آبادان را زیر آتش قرار میدهند

مردم فیروز و از جان گذشته، یاسداران شجاع و متصد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، همچنان دلیرانه با متجاوزین صدامی به نبرد ادامه میدهند. یک مقام در واحد اطلاعات و اخبار ستاد سپاه یاسداران اهواز در گفتگویی اظهار داشت در منطقه «دب حران» در اثر اجرای دقیق آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران تلفات و خسارات سنگینی به متجاوزان مزدور بعثی وارد آمد. طبق این اطلاع تلفات و خسارات وارده به نیروهای متجاوز دشمن، انهدام ۵ دستگاه تانک، ۳ دستگاه خودرو، یک دستگاه فریور و ۶۱ کشته زخمی بوده است. متجاوزین عراق نیز همچنان با وحشیگری شهر اهواز را با تلیک توپهای دوربرد خود زیر آتش قرار داده است. به گزارش دفتر مرکزی خبر نیروهای متجاوز عراق زیر حمله شدید دلاوران ایران با بهجا گذاشتن عده زیادی کشته و زخمی در حال عقب نشینی از آبادان است. بموجب همین گزارش سنگرها و مواضع قوای دشمن در اطراف رودخانه پیمیشیر تقریبا نابود شده است.

در محور جاده آبادان - سامشیر نیروهای مزدور عراقی چندین کیلومتر با آبادان فاصله دارند و رزمندگان جمهوری اسلامی ایران آنها را زیر آتش شدید قرار می دهند. مزدوران صدام سبب پیش (دوشنبه شب) اطراف خسرو آباد در بیست کیلومتری جنوب آبادان و کوی توفانقاری و قبرستان تو این شهر را هدف آتش توپخانه دوربرد خود قرار دادند که در نتیجه ۶ تن از پرسنل رشید شهربانی آبادان شهید و مجروح شدند.

کارکنان و عزل و نصب آنان و اجرای ممویات شورای سرپرستی و تهیه برنامه‌ها است مورد بحث قرار گرفت. این ماده نیز مورد تصویب قرار گرفت. آنگاه ماده ۹ که به مشولیت مدیر عامل در برابری شورای سرپرستی و مشولیت شورای سرپرستی در برابر قوای سه گانه اختصاص دارد، مطرح شد. ماده ۹ پس از اندک تغییری که به دنبال بحث نمایندگان در آن داده شد، به تصویب رسید. ماده ۱۰ اختصاص به مشولیت شورای سرپرستی در برابر مجلس و حق استیضاح آنان توسط مجلس داشت. این ماده نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت. جلسه امروز موکول شد. رئیس مجلس در پایان جلسه دیروز اعلام کرد که محتملی رجائی نخست وزیر در جلسه امروز مجلس به چند سئوال نمایندگان پاسخ خواهد داد و وزیر جدید آموزش و پرورش، دکتر جواد باهنر را، رسما به مجلس معرفی خواهد کرد.

در جلسه علنی دیروز مجلس:

امپریالیسم آمریکا وارث همه جباران تاریخ است

● آمریکا می خواهد مسئله گروگانها را موق بگذارد

آن جباران در برابر دارد. وی همچنین افزود: آمریکا می خواهد ما را دست بیندازد و مسئله گروگانها را باز موق بگذارد تا برای محاصره اقتصادی و ضرب و زدن به جمهوری اسلامی ما، بهانه‌ای داشته باشد. اما ما در این نبرد ایستاده ایم، او می خواهد سلاح آمریکایی‌ها را به ما بفروشد تا در شکست اقتصادی‌اش راتا حدی ترمیم کند، ولی ما با جانان می جنگیم و بیانچنگان. ناظر افزود: ما اعلام میداریم که خسومت علیه آمریکا هیچکس است، همچنانکه نور با ظلمت همواره می جنگد. پس از پایان سخنان پیش از دستور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی سخن سخنانی را بیان داشت:

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی ناظرین پیش از دستور به امپریالیسم آمریکا حمله کردند و خواستار وحدت اجتمالی در دوران جنگ شدند. در آغاز این جلسه که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، ابتدا رضایی به عنوان اولین ناظر پیش از دستور در رابطه با وحدت اجتماعی در دوران جنگ سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت: دشمن خارجی همواره در تمامی جنگها سبب شده که نیروهای داخلی کنار هم بیایند و با هم متحد شوند. ما این مورد را در میان توده‌ها و کسانی که شهادت داده اند، می بینیم، ولی در دولتمردان غیر یکی از مواردی که می توان با پرهیز از آن از تفرقه جلوگیری کرد افراط و تفریط است. ناظر سبس به ضرورت اجرای قانون اساسی اشاره و سپس تاکید کرد که نمایندگان مجلس نباید چند شغله باشند. دومین سخنران پیش از دستور فخرالدین حجازی بود که به شدت به آمریکاکامه کرد و امپریالیسم آمریکا را وارث جباران تاریخ خواند که سرنوشتی شوم تر از

لیبرالیسم را بشناسیم، و در دامش نیفتیم

لیبرالیسم، گرچه از لحاظ لغوی از واژه «لیبر» (آزاد) و «لیبرته» (آزادی) مشتق گشته است، ولی در دوران کنونی رشدیافته بشری، یک جریان ایدئولوژیک و سیاسی است، که میکوشد میان انقلاب و ضدانقلاب بود ضدانقلاب سازش ایجاد کند و انقلاب را به شکست و ناکامی بکشاند.

لیبرالها همیشه منسوب به طبقات ضدانقلابی هستند که انقلاب لزوم الهی آنها را بشناخته طبقه مطرح کرده است. منسوبان به این طبقات معمولاً بنوعی مستحق محسوب میشوند: قسمتی بطور صریح و بمرده مواضع ضدانقلابی طبقه محکوم به فتنای خود را اعلام میکنند و علیه انقلاب در جیبهای آشکار به مقابله میپردازند، که اینها لیبرال نیستند، ضدانقلاب آشکارند. ولی قسمتی دیگر منسوبان به این طبقات که جبهه لیبرال بخود میکشند، یا قصد محدود ساختن انقلاب در چارچوب منافع این طبقات و منحرف کردن انقلاب از راه خود و کشاندن انقلاب به قهقرا، داخل صفوف انقلاب میشوند و یا در کنار صفوف انقلاب سینه زنی میکنند. هم ضدانقلابیها، که برآمده و از خارج به مقابله علیه انقلاب برمیخیزند و هم لیبرالها که نقاب «انقلابی» بروی خود میزنند و میکوشند با رخنه در داخل صفوف انقلاب و به قهقرا کشیدن انقلاب و مسخ انقلاب از داخل، کار انقلاب را به ناکامی برسانند، علیه فرق قهاری، هر دو یک هدف مشترک را تعقیب میکنند: یکی تفنگ در دست در سنگر تشنه و علیه انقلاب میجنگد و دیگری بمشابه ستون پنجم وی در داخل صفوف انقلاب عمل میکند. لذا اگر بگوئیم لیبرالها ضدانقلابیونی هستند که منظور بریدن سر انقلاب با نمده، لباس «انقلابی» بتن گردانند و یا اگر لیبرالها را ستون پنجم ضدانقلاب در داخل انقلاب بدانیم یا در همسایگی آن بنامیم، حرفی خلاف علم و خلاق واقع نگفته ایم.

اکثر هرچند ارباب سیاسی لیبرالها معمولاً کسانی هستند که خود از میان طبقات محکوم بزوال برخاسته اند، ولی در جنبشهای انقلابی یا شعارهای خود شرکت کرده اند. لکن بعداً، هنگامیکه شدت و حدت تضادهای اجتماعی، شعارهای نیمه کاره سازشکارانه آنها را پس زده و شعارهای عیناً انقلابی و یکپارچه را در داخل جنبش مطرح کرده، اینان اکثر یا گمراه و گاهی به طبع خاطر این شعارها را گردن نهاده اند و از جنبش جدا شده اند. البته، نه بمنظور دست کشیدن از شعارهای خود، بلکه بامید اینکه در مراحل بعدی بتوانند در داخل جنبش شعارهای اولیه خود را بر جنبش تحمیل کنند و انقلاب را در سیری که خود میخواهند بسوی قهقرا و شکست سوق دهند.

لیبرالها، بعضی که اشاره شده، معمولاً از امکانات فعالیت فراوانی برخوردارند. اگر انقلاب علیه اقتدار اقتصادی و اجتماعی طبقات ارباب محکوم بزوال با قاطعیت عمل نکند و از این طریق پایگاه اجتماعی لیبرالها را درهم نکوبد، لیبرالها با استفاده از امکانات وسیع همین

طبقات، می توانند در دستگاهها و نهادهای حکومتی بعد از انقلاب رسوخ کنند و حتی مواضع بسیار حساس حکومت انقلابی را بدست خود بگیرند و برای اجرای سیاست همان طبقات ارباب محکوم بزوال از این دستگاهها و نهادها حداکثر استفاده را ببرند.

یکی از عمده ترین سلاجهائی که لیبرالهای سرعاصر دنیا از آن علیه انقلاب استفاده کرده اند، سلاح طرفداری از آزادی بوده است. طبقه مرتجع محکوم بزوال، که قبل از پیروزی انقلاب، توسط حکومت خود، دیکتاتوری خود را مستقر کرده و هرگونه آزادی را خفه کرده بود، پس از پیروزی انقلاب، توسط ستون پنجم خود، یعنی لیبرالها، علیه انقلاب شعار «آزادی» را مطرح میسازد. البته، آزادی نه برای انقلاب و نیروهای انقلابی سزیرا که ایشان انقلاب کرده اند و دیکتاتوری طبقات مرتجع محکوم به زوال را سرنگون کرده اند و برای خود آزادی کسب نموده اند. آزادی نه برای خلق - زیرا که ایشان در سایه انقلاب از اسارت دیکتاتوری طبقات مرتجع محکوم بزوال نجات یافته اند و آزادی خود را بدست آورده اند. آن «آزادی» که لیبرالها پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی دیکتاتوری طبقات مرتجع محکوم بزوال مطرح میکنند، آزادی برای همین طبقات و نمایندگان و حامیان آنهاست، که انقلاب دست و پای آنها را بسته است. فریاد لیبرالها از فقدان آزادی پس از پیروزی انقلاب، از آنجا بلند است که آنها میطلبند که برای استقرار مجدد حاکمیت طبقات مرتجع محکوم بزوال، به آنها امکان هرگونه فعالیتی داده شود و حتی حکومت انقلابی مطابق رهنمودهای آنان رفتار کند.

تمام آنچه را که در بالا درباره لیبرالیسم و لیبرالها بطور کلی گفتیم، بیاسی است که تمام و کمال به نقد لیبرالهای ایران دوخته شود. و اما در ایران دعوی اصلی و واقعی بر سر راه رشد آینده ایران و سیر تکاملی انقلاب ایران است.

مردم ما با انقلاب شکوهمند خود راه رشد سرمایه داری را رد کرده اند ولی لیبرالها که نمایندگان سرمایه داری هستند، با جنگ و دندان از راه رشد سرمایه داری دفاع میکنند. تاریخ کشور ما راه رشد سرمایه داری را محکوم کرده و مردم ما میگویند: باید از راه رشد غیر سرمایه داری رفت و طریق استقلال و آزادی واقعی را در پیش گرفت. ولی لیبرالها گاهی بصراحت و گاهی بزبان پنهانی میگویند: ۱- باید راه رشد سرمایه داری را ادامه داد و ۲- باید به همکاری با سرمایه داری جهانی - با تعدیلاتی - ادامه داد. چرا راه رشد سرمایه داری - پیشتهای لیبرالها مخالف مصالح مردم ایرانست؟ زیرا: کشوری که از راه رشد سرمایه داری برون رفته و در ورای اراده خود و طبق قوانین اجتناب ناپذیر شیوه تولید سرمایه داری

داخل سیستم تقسیم کار بین المللی سرمایه داری خواهد شد و وابستگی کشورهای بزرگ امریالیستی و در توت اول آمریکا در خواهد آمد. این وابستگی بتدریج بتدریج یک هم پیوندی عمیق و همه جانبه با امریالیسم در خواهد آمد و این کشور چون مگس عاجز در تار عنکبوت خون آشام انحصارهای امریالیستی گرفتار خواهد شد. یعنی ایران انقلابی ما، اگر از راه رشد سرمایه داری برود، باز بدام امریالیسم و سرمایه داران فوطنی وابسته با امریالیسم خواهد افتاد و بساط آریامیری با رنگ و روغن دیگری بار دیگر در کشور ما گسترده خواهد شد. یعنی خون ۲۰ هزار شهید بهدر خواهد رفت و همه رشتها پنبه خواهد شد. یعنی ایران بزم بصورت یک مشت کاختنشین و میلیونها محروم کوخ نشین باقی خواهد ماند.

اگر یک چنین راه رشد نیکت یاری، یعنی راه رشد سرمایه داری (که خود بخود وابسته به امریالیسم خواهد بود) بر کشور ما تحمیل شوده بدیگر سخن، اگر لیبرالها بتوانند یک چنین راه رشدی را بر کشور ما تحمیل کنند، انقلاب ما به قهقرا خواهد رفت و مسخ و نابود خواهد گشت.

تاریخ ایران (و همچنین دیگر کشورها) نمونه های فراوانی از مسخ انقلاب بدست لیبرالها را بیاد دارد. انقلاب مشروطه را مردم انقلابی ضد استعمار و ضد رژیم استبدادی افسار گسیخته فتودالیسم قاجاری آغاز کردند و باوج بردند ولی پس از مدتی بتدریج اشرف و فتودالهای لیبرال مواضع کلیدی حاکمیت در نظام مشروطه را بدست گرفتند و رژیم مشروطیت را، که اصولاً مرئیات فتودالیسم، استبداد و استعمار راریشه کن سازد، در دست خود قبضه نمودند. این لیبرالهای فتودال و اشراقه برای رهائی ایران از اسارت امریالیسم نه تنها قسمی بر نداشتند، بلکه راه را برای پیدایش استبداد متغور پهلوی بدست استعمار انگلیسی باز کردند.

بار دیگر در دوران ملی شدن صنعت نفت - و این بار بورژوازی لیبرال ایران - گرچه در حکومت شرکت جدی داشت، ولی از ترس انقلاب خلق، در برابر کودتای تنگین شاه - آمریکا سکوت کرد و بعضی سرکوب کودتاگران، راه را برای سرکوب قیام خلق انقلابی ضد کودتا هموار کرد.

و اکنون... پس از این همه آزمونهای تاریخی و در حالیکه یک پرونده هفتاد سنی از سیاست های سازشکارانه و تسلیم طلبانه لیبرالهای گذشته ایران موجود است، اگر مردم انقلابی ما و مسئولان و نهادهای جمهوری اسلامی ایران هشاری خود را از دست بدهند و در تاز- عنکبوت لیبرالها گرفتار شوند، تاریخ آنها را نخواهد بخشید.

اینکه لیبرالها از همان نخستین ماههای پس از انقلاب زیر فشار انقلاب فریاد کشیدند که: سه سه بار، نه بار غلط کردیم، اگر انقلاب کردیم، اینکه بدون اطلاع امام خمینی به ملاقات برزیسکی رفتند، اینکه کوشیدند و میکوشند ایران را با آمریکا «آشتی» دهند، اینکه سرمصدای زیادی درباره فقیرمکن بودن، قطع نیاز ایران به تکنولوژی آمریکا و کشورهای امریالیستی دیگر برآه انداخته میشود، کوشش برای نگاهداری دستگاهها و کادری که در زمان طاغوت و ادامه شیوه کشورداری بصورتی که در زمان طاغوت معمول بود، ایجاد پیکاری و تورم و احتکار و گرانی و... مقاومت شدید در مقابل اجرای قانون اصلاحات ارضی نمودن دهقانان، مقاومت در برابر ملی کردن بازرگانی خارجی و توزیع عمده در داخل کشور، مقاومت علیه توسعه بخش دولتی، کوشش برای بر امتیاز ساختن مالکیت دولتی و مالکیت تعاونی - خلاصه، تمام آنچه که در زمینه حفظ سرمایه داری در ایران و ادامه فروعات داخلی و خارجی لازم برای حفظ این سرمایه داری بعمل می آید، مظاهر سیاستها، خواستها و نظرات بورژوازی لیبرال ایرانست.

جهت دیگر فعالیت لیبرالها عبارتست از کوشش برای بر امتیاز ساختن آن راه رشد دیگری که خلق خواهان آنست، یعنی راه رشد خلقی، راه رشد بسود کوخ نشینان.

از لحاظ اقتصادی، دشواریهای لیبرال، خواه بصورت ترشحات مغز خود و خواه بصورت ترجمه از نشریات امریالیستی، همواره راه رشد غیر سرمایه داری و اصول اقتصادی جهان غیر سرمایه داری را زیر آتش قرار میدهند چه آسانها که در این زمینه نمی یافتند و چه «آمارها» و «اطلاعات» و مطالب «بسیار بسیار دقیق» که از خود جعل نمی کنند. آنها در وجود کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی، که تکیه گاه مطمئن و متحد قابل اعتماد جنبشهای رهایی بخش خلقهای اسیر جهانند، یک دشمن موهم برای ایران انقلابی می ترانند و واقعیت انسانی و انقلابی جهان سوسیالیسم را وارونه جلوه میدهند و تاریخ انقلابهای گذشته را بسود امریالیسم و بورژوازی ایران تحریف میکنند.

بحث ما با لیبرالها، دعوی شخصی نیست، بلکه صحبت بر سر استقلال و آزادی و ترقی ایران بر سر سر نوشت مردم و انقلاب ایرانست. در حالیکه برای همین مشاهده میکنیم که عده ای بازمی - کوشند دست و پای این انقلاب را هم به بندند و از پرتگاه ناکامی سرنگونش سازند، نمی توانیم ساکت بنشینیم. ما با تکیه به شرع اصولی و انقلابی خوده بری از هرگونه برخورد شخصی و ذهنی، سیاست بورژوازی لیبرال ایران را افشا خواهیم کرد و چاه لیبرالیسم را نشان خواهیم داد، تا کسانی که سداقتی دارند از افتادن در آن حذر کنند، و اگر هم افتادند، تقصیر عواقب آن بگردن خودشان باشد. مردم ایران تصمیم گرفته اند که این انقلاب حتماً به پیروزی قطعی و نهائی دست یابد.

مانور مشترک نظامی آمریکا و مصر توطئه ای دیگر علیه خلقهای منطقه

در پی گسترش هرچه بیشتر همکاری نظامی رژیم خائن مصر با امریالیسم آمریکا، دسته پیشقراول سپاه واکتش سریع آمریکا، برای مانور در سخاری مصر و آشنا شدن به نحوه جنگ در صحرا - های خاورمیانه، وارد مصر شد. قرار است ۱۴۰۰ نفر از افراد سپاه واکتش سریع آمریکا تا ۱۲ تا ۱۴ روز در غواهی سن زار مصر همراه با سربازان مصری یک رشته مانورهای مشترک انجام دهند.

انجام مانور از سوی سپاه واکتش سریع آمریکا در مصر، یعنی در نزدیکی کشورهای نفت خیز خاورمیانه و در بجهت تجاوز خائنه رژیم جنایتکار صدام حسین به ایران، تکراری خلقهای منطقه را برانگیخته است. بویژه آنکه این اقدام تحریک آمیز در پی استقرار هواپیمای آواکس در عربستان سعودی صورت میگیرد.

فعالیتهای جاسوسی «انستیتیوی زبان» آمریکا در ونزوئلا مردم ونزوئلا شدیداً به فعالیت باصطلاح انستیتیوی آموزشگاه تابستانی زبان آمریکا در ونزوئلا اعتراض دارند. این آموزشگاه، که نقاب یک سازمان مذهبی و خیریه را بر چهره زده است، در واقع به جمع آوری اطلاعات درباره مناطق مختلف ونزوئلا، که از لحاظ مواد معدنی قوی است، مشغول است. سخنرانان در کفرانس بومیان در شهر توکوپیتا، در شمال شرقی کشور، ضمن اشاره به این حقایق روشن، نشان دادند که باصطلاح کارشناسان و زبان شناسان این موسسه به فعالیتهای جاسوسی اشتغال دارند. بومیان درخواست کرده اند که اعضای این موسسه بید رنگ از کشور اخراج شوند. جنبش دفاع از شرف ملی به دادستان کل توصیه کرده است که فعالیتهای این باصطلاح موسسه را مورد بررسی کامل قرار دهد.

شمار بیکاران در انگلستان بصورت افزایش می یابد بموجب پیش بینی گروهی از اقتصاددانان وابسته به دانشگاه کمبریج، سرعت سقوط اقتصاد انگلیس در پنجاه سال اخیر بر سابقه بوده و اوضاع استقبال اقتصادی این کشور در آینده نزدیک بهبود نخواهد یافت. انتظار میرود در سال جاری تولید ناخالص داخلی ۳۷ درصد نسبت به سال قبل کاهش یابد. این گروه از اقتصاددانان عقیده دارند شمار بیکاران انگلیس که در حال حاضر بیش از ۲ میلیون نفر است در سال آینده به دو میلیون و پلنصد هزار نفر خواهد رسید و تا سه سال دیگر از مرز ۳ میلیون نفر خواهد گذشت. اتحادیه های کارگری انگلیس با این حال اعلام کرده اند انتظار میرود که نه سمسال دیگر بلکه در سال آینده شمار بیکاران به حدود ۳ میلیون تن بالغ شود و تا سال ۱۹۸۳ این شمار از ۳ میلیون تن بسیار بیشتر خواهد بود.



مردم پاکستان از فعالیتهای خرابکارانه مزدوران افغانی ابراز انزجار می کنند

یک سخنگوی دفتر آوارگان سازمان ملل در پاکستان فاش کرد: میان باصطلاح «آوارگان افغانی» و ساکنان محلی دریای بلوچستان پاکستان زدوخورد های شدید و خونینی روی داده است. حضور ضد انقلابیون افغانی در نواحی مرزی پاکستان شرایط زندگی مردم محلی را که بر اثر سیاست خائنه دارو دسته ضیاعالمق در فقر مطلق بسر می برند، بیش از پیش وخیم کرده است. گزارشهای رسیده حاکمیت که مردم بلوچستان پاکستان و همچنین ساکنان ایالت سرحد شمال غربی پاکستان به وسیله چکمه پوشان ضیاعالمق مزدور مجبور شده اند زمینهای قابل کشت و آب را به سر - کردگان ضد انقلابیون افغانی بسپارند. مردم بلوچستان پاکستان و ساکنان ایالت سرحد شمال غربی، از فعالیتهای گمراهی فراری افغانی شدیداً ابراز انزجار می کنند.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM
No. 370
13 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۳۵۹، منطقه
۲۴ پستی تهران